

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۴

بیکار

بیکار را بخوانید، در تکتیر و پخش آن بکوشید

اعدام فاشیستی انقلابیون خلق عرب
در صفحه ۶

زندگی سرشار از مبارزه رفیق شهید
بهمن عزتی
در صفحه ۷

گزارشی از مبارزات کارکنان کشت و
صنعت کارون
در صفحه ۸

بخشنامه های ضد انقلابی
در صفحه ۱۵

دوشنبه ۱۶ مهرماه ۱۳۵۸ بها: ۲۰ ریال

اعلامیه سازمان درباره مبارزات کارگران بیکار:

از مبارزات کارگران بیکار چه می آموزیم؟

- چرا دولت بخود اجازه می دهد همین مقدار ناجیروام بیکاری را دوباره پس بگیرد؟
- چه کسانی از پشت به کارگران خنجر می زنند؟
- چگونه می توانیم پیروز شویم؟

در صفحه ۱۶

کار، کار، کار اینست شعار بیکار

گزارشی از مبارزه کارگران و دیلمه های بیکار تبریز

در صفحه ۱۳

نگاهی به مواد قانون اساسی محصول مجلس خبرگان

هنگامیکه چند ماه پیش، متن نهایی پیش نویس قانون اساسی که بطریقی کاملاً سری و در اطاقهای دربسته وبدون مشارکت و نظردهسی انقلابی ودموکراتیک کلیه نیروهای خدا مهربا-

لیست، مترقی و انقلابی تدوین شده بود، پس از طی یکدوره تمام کمال کش و قوسها، به ناخبر انداختن ها و اکراه ویسی میلی دولتمندان سر- بقیه در صفحه ۲

شور زندگی در جنبش دانش آموزی میهن ما

اخباری از مبارزات دانش آموزان

در صفحه ۳

اخباری از: کردستان قهرمان

در صفحه ۵

جنبش گاوگری

اعتصاب کارگران مبارز ماشین سازی پارس

شورای ضد کارگری کارخانه چیت تهران بافکار

بخشنامه ضد کارگری دولت و مقاومت کارگران در مقابل آن

اعتصاب و تجمع کارگران فاستر ویلر (تهران - جنوب)

اعتصاب، تاپروزی کامل ادامه دارد

در صفحه ۱۶

کارگر به پیش! شماره هفت، توقیف شد!

سخنی پیرامون ترمیم کابینه

دولت بازرگان چهارمین ترمیم را پشت سر گذاشت. روند این تغییرات بگونه ای است که هر چه بیشتر، لیبرالها غیر مذهبی با کمتر مذهبی از دستگاه دولتی به کنار گشاده میشوند. و به همان نسبت بورژوازی مذهبی که در ترکیب دولت اکثریت را شامل میشود، امکان بیشتری برای اتحاد با فشار ممتاز روحانیت می یابد، این اتحاد نامقدس با ورود مهره های مورد اعتماد قشر بقیه در صفحه ۶

مرگ برامپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه در صفحه ۱

نگاهی به مواد قانون اساسی

این مدرسه مطبوعات ظاهرگشته و بسود و نبود خود را به نمایش گذاشت. در آلمان سازمان ما با بررسی ویی گاوی مجموعه نقطه نظرات و عمل کردهای سیستم حکومتی در عرصه حیات اجتماعی فدراسی: هیت و محتوای طبقاتی آنست از بسکسو تجربه و تحلیل و مونگافی مواد قانون اساسی ارسوی دیگر صریح و آشکار به خلفهای ایران اظهار داشت که این قانون نمی تواند بها نگردد. مع منافع خلفهای ایران در این مرحله یعنی انقلاب صدامیربالیستی و دمو - کرانیک باشد. و علیرغم جرح و تعدیل هایسی که تحت فشار جنبش توده ها و اعتراضی نیروهای مترقی و انقلابی پذیرا شده و نسبت به متن سابق قدسی به جلورداشته، در اساس و محتوای تغییر پیدا نکرده و تنبیهات حاکمه حزبی سطحی و دل خوش کن می باشد. سازمان ما همچنین اعلام میکند که سیستم حکومتی حاکم بر بنایه منافع و بایگناه طبقاتی اثر از آنجا که نمی تواند به ناسودی کامل ویی جون جای سلطه و نفوذ امیربالیسم، حاکمیت مناسبات سرمایه داری وابسته و عمال بومی امیربالیسم در ایران حاکم عمل نباشند بلکه در تحکیم و تقویت اساس این نظام نیز تلاش میکند. از آنجا که از همان اولین روز حگو - مت خود در برابر سرپرستان امیربالیسم ترش و گرنش نشان داد، قراردادهای اسارت آور امیربالیستی را با برجا نگه داشته و سیستم سرمایه داری وابسته را در لافهای اسلامی به عنوان اساس حاکمیت خود و راه حل بحران عمیق و همه جا به اقتصادی و اجتماعی موجود برگزیده است، به هیچ وجه قادر نیست قانونی تدوین کند که از خواستهای اصیل و عمیق خلقهای ایران نشاءت گرفته و مدافع و محافظ آن باشد.

امروز گذشت زمان و اصولی که از مجلس به اصلاح خیرگان تصویب شده بیرون می آید و واقفیت بالا را بطور کامل تا شید میکنند. برای درک هر چه بیشتر واقفیت و در جریان واقعی امور قرار گرفتن، کافیست که به آنچه که در مجلس به اصلاح خیرگان میگردد و "منتخب دستچین" این بحثها و بررسی ها بطور مختصر در رسانه های گروهی منعکس میگردد، مراجعه کنیم. مراجعه کنیم به بینیم چگونه کسی که هیچگونه درک انقلابی از منافع خلقهای ایران ندارد، مضحکه کا ملی از مضامین و لاطائلات درست کرده اند که منعقد در آن عثم فرود انقلابی و مبارزای برمی انگیزد، ویی اختیار این طیفیت در پیش روی ما قرار می گیرد که آزمون ۶۵ هزار شهید به هدروفت. مراجعه کنیم و بینیم چگونه زیر پرچم اسلام شما قانونین سابق احیا میگردد و حتی ابتدائی ترین وحیاتی ترین حقوق و منافع خلقهای ایران در نظر گرفته نشده و بایمال میشود.

چگونه بحثها و جدل هایسی که صورت میگیرد نه روی محتوای اساس مواد و تاکید بر امر بر منافع توده ها بلکه بر روی چیزهای فرعی و غنده آوری است که تنها خیال سرمایه داران و زمینداران زالمولفت و سرپرستان رژیم سابق را آسوده می - سازد، برخی نظرات و پیشنهادات خود را درباره قانون اساسی در شما راه های قبل پیکار بپایان داشته ایم. اکنون که مواد پیش نویس نهایی

بر عت طرفان یکی پس از دیگری صورت رسمی پیدا میکنند، اکنون که هیت خاکه خبا نتهای خود را نسبت به آرمانهای اصیل توده های ملیونی ایران و احای دوباره مناسبات اسارت با رقیب برپا به توهانات و احساسات پاک توده ها مرتکب میگردد، لازم میدانیم به بررسی نیشتری در مورد این مواد بپردازیم:

مجلس خیرگان با تصویب ماده اول قانون اساسی:

● انقلاب را پیروز میدانند! موضوعی که مدعیانش از ابتدا جرئت گفتن آنرا نداشتند!

● بر محتوای دمکراتیک و ضد امیربالیستی انقلاب پرده می اندازد! چیزی که رو در روشی با میلیونها توده، مستعبد، ما است که ماها فریاد زدند: استقلال، آزادی!

● تنفر و انزجار عمیق خود را نسبت به جامعه بی طبقه نشان می دهد! چیزی که هدف نهائی تمام زحمتکشان است!

کالا انکار نموده و ماهیت و محتوای انقلاب خلقهای ایران را از دید توده ها و قضاوت تاریخ پنهان میازند.

از طرف دیگر در آمده است "انقلاب پیروزمند ... در حالیکه واقفیت اینست که انقلاب خلقهای ایران اگر چه پیروزمندانه به پیش میخاست و در حرکت روبه اعتلای خود توانست بساط سکن سلطنت را درهم بشکند و ضربات محکمی بر منافع امیربالیسم وارد آورد، اما نتوانست همچنان به حرکت پیشرونده خود ادامه دهد. رژیمی که از فریاد قیام روی کار آمد بنا به ماهیت طبقاتی خود برجستگی دهته زد، سازش و مماشات با دشمنان انقلاب آغاز شد. قراردادهای اسارت بار به اعتبار خود باقی ماندند. ارتش بهمان صورت سابق و با همان رویای سابق حفظ شد. سرپرستان رژیم سابق یک بیک آزاد شده و حتی بیش از آن دوباره به سرکار خود بازگشتند. یعنی انقلاب در نیمه راه متوقف مانده و نتوانست به هدف خود یعنی رهایی از قید و بند وابستگی به امیربالیسم و عمال داخلی آنها دست یابد. خلقهای ایران نتوانستند استقلال واقعی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را بدست آورده، ستم ملی و ارتجاع داخلی را نابود سازند. اما اگر انقلاب از دیدگاه منافع زحمتکشان جامعه ما ناتمام ماند و به پیروزی کامل نرسید، از نظر بورژوازی لیبرال عاش و روحانیت مشروعه طلب به پیروزی رسید، چرا که آنها را حاکم بر مفدرات خلق کرد! همین بایدت گردد. اما بنام توده ها!

همچنین در بالا گفتیم که توده ها نیز - اساس آنچ که میخواستند به خاطر آن در

اصل ۱ - حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن در پی انقلاب پیروزمند خود برهبری امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸ براساس با اول جمادی الاولی سال ۱۳۹۹ هجری قمری با اکثریت ۹۸٪ کلیه کسانی که حق رای داشتند به آن رای مثبت داد.

این اصل که علی القاعده جانشایه قانون اساسی بوده و میبایستی مبین چکیده واقعی ترین هدفی باشد که انقلاب خلقهای ایران در سرلوحه خود قرار داده بود (و هست) و میخواست آنرا در تاریخ ثبت نماید تا بر مبنای آن رژیم آینده رسماً و قانوناً بنا - گردد و آیندگان نیز با استناد به آن در باره کم و کیف انقلاب خلقهای ایران در این مرحله از تاریخ حیات اجتماعی شان قضاوت کنند.

حال ببینیم آنان که در مجلس خیرگان گرد آمده اند چگونه حق را در مورد مطلب ادا میکنند؟ یعنی آنچه را که واقعاً بوده و اتفاق افتاده، آنچه را که خواست خلقهای ایران بوده، چگونه منعکس و در تاریخ ثبت میکنند.

اصل معویه مجلس خیرگان بما میگوید که جمهوری اسلامی بر اساس اعتقاد دیرینه ملت ایران به حکومت حق و عدل قرآن روی کار - آمده است. اما همه میدانیم که این واقفیت انکار ناپذیر و برهه معلومی است که خلقهای ایران (که نگی نیست اکثریتشان مسلمان هستند)، در جنبش با ما هیت و محتوای شیداً ضد امیربالیستی و دمکراتیک شرکت نموده و قهرمانانه در برابر رژیم پند و چیزی که آنها بدست آورده اند تنها بخش کوچکی از آرمانهای انقلابی در راه رهایی از قید و بند هرگونه ستم ملی و طبقاتی میباشد. قید و بندی که در نتیجه حاکمیت ثوم امیربالیسم و بویژه امیربالیسم آمریکا

توضیح:

"ولایت فقیه گشا در ترین کلاهی که بر مردم ایران میروند!" را در شما ره آینه دنیال خواهیم کرد.

شور زندگی در جنبش دانش آموزی میهن ما

تحصن دانش آموزان شبانه
برای معافیت از شهریه

تقریر

وقتی مصطفی شایان به بعد از دوره را هنگامی که اقلیتان کار کردند، برای ثبت نام مراجعه می کنند، می بینند که حدود ۵۵ تومان شهریه باید بدهند. از اینرو به عنوان اعتراض، ساعت ۸ صبح روز یکشنبه ۵۸/۷/۱ (با دوشنبه ۵۸/۷/۲) در استانداری متحصن می شوند و از استاندار می خواهند که آنها هم مثل روزانه از پرداخت شهریه معاف شوند (البته، دانش آموزان روزانه طی مبارزه ای، معافیت از شهریه را گرفتند) استاندار قبول نمی کند، ولی آنها با فشار می کنند، بویه سخنانی ملاشی که میخواست آنها تحصن را بکنند، توجه نمی کنند. بعداً برای ایجاد تفرقه می گویند، دانش آموزان هرکلاس جداگانه باید بستانند با آنها مذاکره کنیم، ولی دانش آموزان نمی پذیرند، پس از ۲ ساعت که از تحصن می گذرد همه تیرهاشان به سنگ می خورد، استاندار مجبور میشود معافیت آنها را از شهریه قبول کند. دانش آموزان می گویند، باید رئیس کل آموزش و پرورش هم امضاء کند. آنگاه با صفوف متشکل از جلو استانداری بنا اداره کل آموزش و پرورش را همپاشی میکنند، پس از امضاء رئیس آموزش و پرورش وی را وادار می کنند که نامه امضاء شده را تکتبر کنند و به همه مدارس بفرستد.

اخراج بخاطر فعالیت های سیاسی

تقریر

دبیرستان دخترانه پینا هک، در اواخر خرداد ماه و اوایل تیر ماه سال گذشته، دانش آموزان را به عنوان بی اعتنائی به مقررات و بی انضباطی اخراج کرد. اما واقعیت اینست که دانش آموزان مذکور به علت فعالیت برای ایجاد شور و محیطی دموکراتیک و شیرافشای ما بهت سیستم آموزشی و تشکیل شاعنی و کینه کردن دست سها مدار مدرسه بنام قایم و کزین اخراج شدند، در زیر نامه اخراجی یکی از آنها ملاحظه می شود:

انقلاب اسلامی وارد اداره شدند و سرپرست آنها بهمان دانش آموزان آمد گفت: "بنا بگفت امام هیچ حق نظا هرات و تحصن را ندارد، اما چون خواستهای شما برحق است، شما بندگان خود را پیش ما بفرستید، تا با هم مذاکره کنیم. در ضمن شما دروغ می گوئید که برای موضوع شهریه به اینجا آمده اید. چون روز پنج شنبه مدیر کل طی اطلاعیه ای اعلام کرد که اجباری نیست و هر کس علاقه دارد بدهد." در این حال یکی از دانش آموزان مثل فخر پرید وسط حرفش گفت: "

"اولا چون ما معلم، موضوع به آموزش و پرورش مربوط می شود هیچ کس دیگر حق دخالت در امور ما را ندارد. دوم این که گفتید ما دروغ می گوئیم، اگر اطلاعیه را خوانده باشید، دنیا له اش آمده که هر کس شهریه نپردازد، پیش از اجتماع می ندارد. ما میگوئیم آنها شما بهترین اجتماع را با پول نگاه می کنند؟ اگر اینطور است، پس، ما میرا به اسم آمریکا و سرما به داران از همه بهترینش اجتماع می دارند و بگفتند شما، بهجه های سرما به دارا از ما بهجه های کارگران و زحمتکشان بیشتری فهمند."

وی همچنین گفت: "اگر خیال می کنید که ما توطئه می کنیم بدانید ما بودیم که با رمال به خیابانها ریختیم و به پیروزی انقلاب کمک کردیم، حالا هم این قدرت را داریم که از انقلاب خود با داری کنیم، به شما هم مربوط نیست. مطمئن باشید که تا سر آوردن خواستهای ما تسلیم نخواهیم شد." خبر بعدی حاکیست که دانش آموزان بدون قید و شرط از پرداخت شهریه معاف می شوند.

سال تحصیلی جدید آغاز شد. دانش آموزانی که در تجربه خونین سال گذشته آبدیده شده اند، نوجوانانی که با شرکت فداکارانه خویش در انقلاب، اندوخته های بمبارت بیشتر از سن خود کسب کرده اند با حفظ همان شور و شوق قبل از قیام برای مدارس شدند. آنها در همان اولین برخورد خود نسبت به حفظ معیارها و ضوابط رژیم وابسته شاه عکس العمل نشان دادند. مبارزه بر علیه شهریه، مبارزه بر علیه نظام طبقاتی مدارس، مبارزه بر علیه تفتیشی و اواک متشانه عقاید، و... سرتا سر میهن را فرا گرفت، تحصن در استانداری ها در جلوی ادارات و آموزش و پرورش، رویدادهای نخستین روزهای سال تحصیلی در کنار گوشه میهن ما بود. این مبارزات مشت محکمی بود بر دهان هیئت حاکمه از جانب نوجوانان وطن ما، از طرف فرزندان زحمتکشان ما، که میوه نارس انقلاب شان بدست ناپاک بورژوازی و همدستان مشرور و طلب او، چیده شد. و این است گوشه ای از این مبارزات:

آمل

در مدرسه راهنمایی تحصیلی سرور آزاد - پوش، از ۲۵ دانش آموز تجربه علت دانشسین سابق فعالیت سیاسی، ثبت نام نمی کنند. مدیر مدرسه گفت: است، در صورتی از آنها ثبت نام می کنند که تمهید دهند از این پس فعالیت سیاسی نداشته باشند. جالب توجه است که مدیر مذکور، قبل از قیام طرفدار رژیم شاه خاشن بوده و از نظا هرات دانش آموزان جلوگیری می کرده و با طر همین، با چند نفر از دانش آموزان که امروز جزو ثبت نام نشدگان هستند درگیری پیدا می کند. اما امروز رنگ عوض کرده و زیر نام اعلام، از ثبت نام دانش آموزان مبارز جلوگیری می کند.

نسلی مبارز و قهرمان
که آبدیده می شود

تقریر

روز شنبه ۵۸/۶/۲۴ تعدادی از دانش آموزان مدارس تبریز با شمار (شهریه مدارس الفبا) با بدگردد - فعالیت سیاسی آزاد با بدگردد. وارد اداره آموزش و پرورش شده و پس از بحث و گفتگو در باره مسائل و مشکلات خود با بندگانشان را پیش مدیر کل فرستادند. تا آنها بیایند با مدیر کل مذاکره کنند، بقیه دانش آموزان، شمارها و خواستهایشان را روی کاغذ نوشته و به دیوار چسباندند. از جمله شمارها: (شوراهای دانش آموزان، شهریه را از سرما به داران بندگان خواستند گرفت)، (فعالیت سیاسی در مدارس آزاد با بدگردد). پس از مدتی که نمایندگان بدون دریافت جواب قانع کننده ای برگشتند، همگی در سالن آموزش و پرورش شروع به نظا هرات کردند، با همان شمارهای قبلی. در این هنگام دبیرخانه های نظا هم که جواب سربالا شنیده بودند، با شمار (خواسته دبیرخانه های بیکار - با برگ با استخدام)، به دانش آموزان پیوستند. پس از چند دقیقه عده ای از افراد سها به سداران

دبیرستان دخترانه پینا هک

جلسه مجمع دانش آموزان

تاریخ

فصل

محل و ایام

محلان در تاریخ ۸/۶/۲۴ مردم فدا در تاریخ ۵۸/۶/۲۴

محلان در تاریخ ۸/۶/۲۴ مردم فدا در تاریخ ۵۸/۶/۲۴

محلان در تاریخ ۸/۶/۲۴ مردم فدا در تاریخ ۵۸/۶/۲۴

محلان در تاریخ ۸/۶/۲۴ مردم فدا در تاریخ ۵۸/۶/۲۴

محلان در تاریخ ۸/۶/۲۴ مردم فدا در تاریخ ۵۸/۶/۲۴

محلان در تاریخ ۸/۶/۲۴ مردم فدا در تاریخ ۵۸/۶/۲۴

محلان در تاریخ ۸/۶/۲۴ مردم فدا در تاریخ ۵۸/۶/۲۴

محلان در تاریخ ۸/۶/۲۴ مردم فدا در تاریخ ۵۸/۶/۲۴

محلان در تاریخ ۸/۶/۲۴ مردم فدا در تاریخ ۵۸/۶/۲۴

محلان در تاریخ ۸/۶/۲۴ مردم فدا در تاریخ ۵۸/۶/۲۴

محلان در تاریخ ۸/۶/۲۴ مردم فدا در تاریخ ۵۸/۶/۲۴

محلان در تاریخ ۸/۶/۲۴ مردم فدا در تاریخ ۵۸/۶/۲۴

محلان در تاریخ ۸/۶/۲۴ مردم فدا در تاریخ ۵۸/۶/۲۴

محلان در تاریخ ۸/۶/۲۴ مردم فدا در تاریخ ۵۸/۶/۲۴

محلان در تاریخ ۸/۶/۲۴ مردم فدا در تاریخ ۵۸/۶/۲۴



۹۲۰۳۳۹ - ۹۲۳۳۹۹

محلان در تاریخ ۸/۶/۲۴ مردم فدا در تاریخ ۵۸/۶/۲۴

بقیه از صفحه ۲

نگاهی به مواد قانون اساسی محصول مجلس خبرگان

در حالیکه نمایندگان مجلس خبرگان در اصل ۱ با توسل به جمله‌ای کلی و مبهم از قماش "حکومت حق و عدل و قرآن" عمداً گریبان خود را از مسئله خلاصی داده و راه را بر تفسیر و توجیه‌های بعدی و شرکتاری قدرت - متداندان حال و آینده باز میکنند تا آنها در مرحله حاضر با استناد به "حکومت حق و عدل قرآن" به چشم توده‌ها خاک بپاشند و بفارت و جپاول ثروتهای ملی و بهره کثی و استثمار بهرجانه زحمتگنان بپردازند.

این امر وقتی با تمام وجود خود روشن میگردد که در حول وحوش بحثهایی که در مجلس خبرگان صورت میگیرد، تا مل کنیم بهنگام بررسی اصل اول بحثهای پرتاب و تابی در مجلس در میگرفت مبنی بر اینکه هرگونه خلعت طبقاتی انقلاب اخیر انکارشود.

اصرار و تاکید فراوان بر این امر که گویا جنبش خلقهای ایران بهیچوجه طبقاتی نبوده بلکه کاملاً اسلامی بود! همچنین موضعگیری شدیدی در قبال "جامعه توحیدی" که در پیش نویس آمده بود اتخاذ میشد و میبینیم که سرانجام این تلاش خستگی ناپذیر به نتیجه رسید و این عبارت از اصل اول حذف گردید. آنهم با این دلیل که گویا، از این عنوان بوی "جامعه بی طبقه" برمیخیزد که کمونیستی است. آنها با این کار از یکسو ذهن علیل و دید سیاسی بسیار محدود و تنگ خود را به نمایش میگذارند و تلاش ارتجاعی خود را برای مدد اسلامی کردن قانون اساسی که کار را بداندجا میکند که چشم را بر روی واقعیات مثل روز روشن نیز ببندند آشکار میسازند و از سوی دیگر تنفروانزجار عمیق خود را از جامعه بی طبقه و خالی از استثمار - حتی در قالب ایده‌ها و نظرات خیال پردازانه آن (جامعه توحیدی یا جامعه بی طبقه توحیدی) نشان داده و موضع وابستگی و خلعت طبقاتی خود را عیان می‌سازند. ■

برآورده شدن خواسته‌های خود از طرف یک پاسدار شده‌اند؟ آیا زمانیکه کارکنان با بی نتیجه بودن این صبر و انتظارشان رو بررو شوند، یک قدم بیشتر در این جهت پیش نخواهند رفت که فقط نیرو و همبستگی خودشان است که کار ساز و کارگشا است؟ بیگمان چنین خواهد بود. آخرین خبر: روز دوم مهر حدود ۴۰ تن از کارکنان شرکت به اتهام "فدا انقلابی بودن از شرکت اخراج شده اند و اعتراضی و مبارزه کارگران برای بازگرداندن همکارانشان ادامه دارد. ■

انقلاب شرکت هستند. خواهان آن بودند که در تمامی زمینه‌ها از قیدو بندسرمایه - داری وابسته به امپریالیسم رهاگردند. به ستم ملی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی و... بایستی پایان داده میشد. این آن چیزی بود که خلقهای ایران میخواستند و تحقق آنرا در جمهوری می یافتند و براین امید بود که بنوعی از آن رای میدادند. اما هیئت حاکمه با عنوان جمهوری اسلامی و بدون مشخص ساختن مضمون و محتوای آن درمرد بود تا با تکیه بر توهانات و احساسات مذهبی توده‌ها، آنها را بهای صندوقها کتاند و با سو استفاده از احساسات مذهبی و اهداف نیک توده‌ها به رهائی از قیدو بندستم ملی و طبقاتی "توتی" قابل انکاری کسب کنند. آنها با این هدف که با استناد به آن و بهیچ توده‌های نا آگاه، بهیچرفت انقلاب را مانع گردد و دیدیم که همین کار را راهم کرد. پس از رای گیری معلوم الحال با فاصله سازی ۹۸/۲ که به موقع از سوی نیروهای انقلابی ساختگی بودن آن افشا گردید، چاقی ساخت برای نیل به قدرت، انحصار آن در دستهای خود، ممانعت و سازش با امپریالیسم و عمال داخلی آن، قدرتمندان جدید امروز نیز همین "بزرگ برنده" را در اصل اول گنجانده‌اند، بدون اینکه حتی از اعلی ترین هدفی که توده‌ها به خاطر آن انقلاب کردند و به خاطر آن به جمهوری اسلامی رای دادند، یعنی اهداف دمکراتیک و فدا امپریالیستی آن اسی برده باشند. اما نمایندگان مجلس خبرگان عمل عجیب و غیرمنتظره‌ای را مرتکب نمی‌گردند. بلکه آنها تنها خط مشی و سیاسی را که رژیم درست از فردای قیام بهمن ماه قدم به قدم دنبال کرده رسمیت می‌بخشد و آنرا قانونی می‌کنند.

از طرف دیگر اصول قانون اساسی می - بایستی نهایت صراحت و روشنی را دارا بوده و راه را بر هر گونه تفسیر و توجیه ببندند

بقیه از صفحه ۸

گزارشی از مبارزات کارکنان گشت و صنعت کارون

وتا آن موقع کارکنان سرکار خود برگردند. به این صورت جمعیت محل اجتماع را ترک میکنند. ولی آنها خواسته‌های کارکنان را شرکت گشت و صنعت کارون توسط رئیس پاسداران برآورده خواهد شد؟ آیا وزارت کار و دیگر موسساتی که کارکنان به آنجا مراجعه کرده بودند، مفید واقع شده بود که اینبار کارکنان شرکت منتظر

هموطنان مبارز! رفقای گرامی!

سازمان ما تاکنون با استفاده از کمکهای مالی بنیادریخ شما توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش برد و در حال حاضر با توجه به محدودیت های فراوانی که ارتجاع در پیش پای ما گذارده است، و با توجه به اینکه امکانات و کانسالهای علنی و نیمه علنی پس از قیام تا حد زیادی از بین رفته است، ما بیش از هر موقع دیگر نیازمند کمکهای مالی شما هستیم. در این مورد از هر طریقی که می‌توانید ما را در پیشبرد اهدافمان یاری رسانید!

اصفهان

دراولین روز با زکشتی مدارس، در دبیرستان هراتی بین دانش آموزان مبارزو دانش آموزان مرتجع و نا آگاه درگیری پیش می‌آید. افراد مسلح کمیته به حمایت دانش آموزان مرتجع دخالت می‌کنند. در این حالت دودسته دیگر در بیرون دبیرستان، و هر دسته به حمایت یکی از دو طرف (مبارزو مرتجع) با هم درگیر میشوند. دبیرستان تعطیل می شود و درگیری خاتمه می یابد.

گروهی از دانش آموزان هوا دار سازمان طی اعلامیه مورخ ۵۸/۷/۱ به نامی به دانش آموزان

زان مبارزو آگاه فرستاده اند که در قسمتی از آن می خوانیم: "ما سال تحصیلی جدید را هنگامی آغاز می کنیم که خیلی چیزها را که بهمد از قیام داشتیم، از دست داده ایم. ساواکی ها دوباره در مدرکاه ر هستند و زمه تفسیه معلم انضباطی در میان است. کتابها با همان محتوی واندرکی ارتجاعی تر ... سال جدید ما بیشتر با معلمانی سرکار داریم که با افکار قرون وسطانی و عقب مانده خود، می خواهند قلم بطلان به علم و ره آوردنگام مل بشربکنند. ... و اگر رویشان بشود، زمین را ثابت فرض می کنند."

ودرجای دیگری می خوانیم: "مدارس را به میدان مبارزه تبدیل کنیم و به آگاهی دادن و کار در درون توده ها اهمیت بیشتری قائل بشویم. بمانبوتانیم از توده های نا آگاه که موضع مغرمانه در مقابل نیروهای مترقی می گیرند، هدهای را به طرف وعده های نا آگاه و به مواضع خلق بکشانیم. به کار توده ها برسیم و احتیاجات آنها را برآورده سازیم. با همکاری و اتحاد جبهه دشمن را ضعیف سازیم."

و در پایان اعلامیه می آید: "... همه جا در آگاهی دادن بگوئیم و اندیشه مل را میان توده های دانش آموز ببریم. جنگ تحمیل شده به خلقها را افشا کنیم. خلق کرده پشت جبهه نیاز دارد. اخبار دروغ و وقبحانه را دیسو و تلویزیون و روحانیت را که از جامع توده ای نهایت سو استفاده را میکنند افشا کنیم. در پاک کردن این افکار از ذهن مردم بگوئیم، نقش پاسداران کمیته ها، دادگاه های انقلاب و ... را افشا کنیم. تا بتوانیم در ادامه انقلاب سهمی هر چند کوچک داشته باشیم."

اعلامیه با شعارهای زیر پایان میگردد:

زنده باد دلاوی خلقها.

آگاهی غامین پیروزی است.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی اش

رفقای دانش آموز!

اخبار مبارزاتی مدرسه و محیط تحصیلی خود را، با کمال دقت و با ذکر جزئیات و تاریخ آنها برای ما بفرستید.

اخباری از کردستان

میلاد

روز سه شنبه ۵۸/۴/۲۷ هنگامیکه تعدادی از مردم در چهارراه آزادی مشغول خواندن اعلامیه بودند، یک ماشین پاسدار سرمی رسد. یکی از پاسداران در حالیکه نارنجکی در دستش بود از ماشین خارج شده و بطرف مردم میروید. هنوز چند قدم برداشته بود که بوسیله گلوله شانه‌های گاه‌زمان مردم به او تلیک شد، کشته می‌شود.

روز چهارشنبه ۵۸/۴/۲۸ مردم در چهارراه آزادی با نارنجک به ماشین پاسداران حمله می‌کنند. در این حادثه به یک آسپ ترسید.

روز پنجشنبه ۵۸/۴/۲۹ عده‌ای از مردم مهاجم در جلوی فرمانداری دست به تظاهرات زدند و پس از مدتی به بدخلت پاسداران و فرمانداری هوایی متفرق شدند.

روز شنبه ۵۸/۴/۳۱ حدود ۵۰ پاسدار مسلح به چهارراه آزادی می‌روند و کوه‌ای را که منزل شیخ عزالدین حسینی در آن واقع است، محاصره می‌کنند. عصر همین روز مردم با پرتاب نارنجک به پاسداران حمله می‌کنند که طی آن دو پاسدار کشته می‌شود. پس از حمله، پاسداران سعی می‌کنند با تلیک هوایی و رگبارهای پیاپی مردم را برترسانند و محیط ترس و وحشت ایجاد کنند. اما برای مردمی که حالا دیگر صدای رگبار جزئی از زندگی‌شان شده این تدابیر کهنه شده است. یکی از اهالی می‌گفت: فقط روزهای اول کمی ترسیدیم، اما حالا هر قدر دل‌شان می‌خواهد، رگبار خالی کنند.

اخباری از ارتش ملی

گفته می‌شود یک گردان از پادگان لویزان (گارد) حدود دو هفته پیش بسمت مهاجمان حرکت کرده است.

فرار است که دوباره افسران به پست‌های سازمانی (که قبلاً در شبکات توسط افسران اداره می‌شد و بعد از قیام توسط هم‌افران) برگردانده شوند و در مواردی هم این جابجایی صورت گرفته که باعث ناراحتی و عکس‌العمل مخالف درجه داران و هم‌افران قرار گرفته است.

از طرف فرمانده نیروی هوایی عنوان شده است که از هر قسمت دو نفر را جهت پاکسازی معرفی کنند ولی از طرف دیگر اطلاع حاصل شده است که اکنون لیست محرمانه‌ای از افراد مبارز درون ارتش تهیه شده تا در موقع مقتضی آنها را تسلیه کنند.

بفرار اطلاع، باقری (فرمانده نیروی هوایی) سعی خواهد کرد به پایگاه یکم سرود زیرا او خود نیز در زمان ناه فرمانده پایگاه یکم بود و توسط هم‌افران و درجه

روز یکشنبه ۵۸/۴/۲۱ بدعت بازاریان که حدود یک هفته است که دکاهاشان را تعطیل کرده‌اند، تعداد زیادی از دانش‌آموزان و مردم شهر در مسجد جامع اجتماع کردند. هر کس صحبتی داشت پشت بلندگو قرار می‌گرفت و صحبت می‌کرد. هنگامیکه یکی از بازاریان از ضعف ملت کرد صحبت می‌کرد و اینکه خودمفتاری خواستیم بمانداند، حالا باید ادعای سنی بودن بکنیم و مستطرتویم ببینیم دولت این حق را بر رسمیت می‌شناسد یا نه. مردم پشت اعتراض کردند. پس از آن اشخاص دیگری درباره مفتی زاده و عملکردهای دولت افشاکاری کرده و ماهیت ضدانقلابی هیئت حاکمه را بر سر ملا نمودند.

روز دوشنبه ۵۸/۴/۲۲ حدود ۵۰ نفر دانش‌آموز دختر و پسر دست به تظاهرات زدند و به مسجد جامع شهر رفتند. (قبلاً نماینده نخست‌وزیر و فرماندار استعفا می‌دادند و وعده‌ای از مردم به مسجد رفته بودند). در این روز بازاریان از پشت بلندگو خواهشای بحق خلق کردند و بیان می‌کردند و راجع به ماهیت دولت افشاگری می‌نمودند. وقتی فرماندار ضمن شنیدن گفت که باید از راه عقل و منطق و... بپنجه برسیم، جمعیت یکپارچه به او اعتراض کردند. آنها همچنین خواستار بازگشت عزالدین حسینی به مهاجمان شدند.

سنتیج

روز دوشنبه و سه شنبه دوم و سوم مهرماه دانش‌آموزان سنتیج دست به تظاهرات می‌زنند و طی آن خواستار خروج پاسداران، اعدام خلغالی و تشکیل شوراهای مدارس می‌شوند. آنها همچنین خواستار آن شدند که از احراج مملنان مبارز، زیرنام فریبکارانه "پاکسازی" جلوگیری شود.

داران در جریان قیام دستگیر و به کمیته تحویل داده می‌شود. ناگفته نماند که فرماندهی پایگاه شکاری یک پست حساس است و رژیم شاه مطمئن ترین افرادش را به پایگاه می‌گماشت.

با اینکه شوراهای درون ارتش تحت فشار فرماندهان و عناصر ضد انقلابی منحل شده، هم اکنون خود دولت بخاطر جو موجود در ارتش "مشق" تشکیل شوراها در ارتش شده. البته واضح است که این شوراها تفاوت ماهوی خواهد داشت با شوراهایی که در جریان قیام بوجود آمدند و تبلور اراده پرسنل انقلابی ارتش بودند. شوراهایی که اکنون دولت در پی تشکیل آنهاست و شوراهاست صفی که در عین حال در آینده‌ای نه چندان دور وظایف دیگری بر سرهمه خواهد گرفت. وظایفی از قبیل جاسوسی، خلبانی، اعمال سیاست‌های ارتجاعی، نام پرسنل ارتش و... البته با حفظ وجهه ظاهری ارتش ملی. ولی با این حال هیئت حاکمه سعی میکند قادر شود حتی در شوراها را هم تحمل نخواهد کرد.

روابط یا ضوابط؟!!

چگونه خون یک جوان بیگناه پایمال می‌شود

از بدو روی کار آمدن رژیم کنونی، دانش در بوقهای تبلیغاتی دیده‌شده دیگر دور "روابط" برای انتخاب سیری شده و کتب "مؤلف" است که حکومت میکند و انتخاب املح است که مورد نظر می‌باشد. اما هر روز که از عمر رژیم سیری شد مردم بیشتر در بافتند و در پیما باند که قدر و عده - های سردمداران شی وی محتوای بوده است و قدر روابط کافی السابق بر روابط رجحان دارد. به توصیه‌ها مزیبر که از طرف "ستاد عملیاتی انقلاب اسلامی قم" برای آقای کاوسی زبان، دادستان شیراز، ارسال شده است توجه کنید:

تاریخ: ۵۸/۴/۲۴ ستاد انقلاب اسلامی
شماره: ۱/۶۹۶ بسمه تعالی
جناب آقای کاوسی زبان دادستان محترم شیراز ادام توفیق.

ضمن تقدیم سلام، در زمینه بازداشت با اعدادان مرودشت با توجه به اینکه کمیته مرودشت موردنا شید سهدیه شیراز بوده و مهدب موردنا شید کمیته مرکزی تهران، و هنگام انجام ما موریت قتل واقع شده، مقتضی است فرار منع تعقیب آقایان مادرشود و بعد رسیدگی دقیق به پرونده، در صورتیکه دلالت کافی برای قتل عمد باشد تعقیب فرماید. با تقدیم احترام بسمه تعالی

ستاد عملیاتی انقلاب اسلامی قم
امضا: ۱۳۵۷

قم میدان آستانه مقابل شیخان لازم به توضیح است قتل که درباره آن در توصیه‌ها صحبت می‌شود توصیه می‌گردد که قاتلان رافع زحمت کنند، بدنبال افسد، جنایتکارانه‌ای در مرودشت اتفاق می‌افتد و طومار زندگی جوان پرامیدی را پاره می‌کند. جریان واقعه به اختصار چنین است که جوان مذکور برای دعوت آشنا با نش از عشاء بر به حشر عروسی. اش به دهات اطراف می‌رود و ارتجاع که از نشانی با این عشاء بروحت دارد این جوان را بقتل می‌رساند. کمیته‌ای که مرکب این جنایت می‌شود ریاستش باشیخ خدائی می‌باشد. (برای اطلاع از مشروح خبر به پیکار ۱۹ مراجعه کنید).

بقیه در صفحه ۶ اعدام فاشیستی...
کردن درباره ترور شاه بقتل میرساند. و یک این میوه چنانا نیز به جرم "طرح انفجار" و نه خودانجا روجرم "تمهید مقدمات قیام" و نه خود قیام، جوانان عرب غوزستان را در مقابل آتش جوخه‌های اعدام قرار می‌دهند. آنها پست درهای بسته بدون محاکمه، بدون تشخیص کیفرخواست و بدون اینکه کوچکترین امکا... برای دفاع بوده باشد. نتنگان با ا

خلق کرد خود مختاری می خواهد نه جنگ

بقیه از صفحه ۱

" سخنی پیرامون تغییر کابینه "

ممتاز روحانیت به دولت با ارتقا آنان به حاکم ترین پستها ، عملی میگردد . بدیهی است حضور این " مهره های مورد اعتماد " در سطوح بالای تصمیم گیری با توجه به سیلان کار و عملکردشان طی مدت پس از قیام ، موجبات خوشنودی و مسرت خاطر امپریالیسم را فراهم می کند .

کنار گذاشتن سنجایی غیرمذهبی با کمتر مذهبی و گماردن بزدی ، معاون وقت نخست وزیر و همچنین بر کردن جای خالی وی با چمران و به معاونت نخست وزیری رسیدن طباطبائی ، یکی دیگر از عناصر باند مصروف مشکوک ، پس راندن مبشری (باز هم کمتر مذهبی) وزیر وقت دادگستری و معوضیان از پست معاونت نخست وزیر به وزارت کشور مسئله تغییراتی بود که تا قبل از چهارمین ترمیم صورت پذیرفت ، که اینک با کنار گذاشتن نزیه ، به حاشیه راندن فروهر از متن ، گماردن چمران در پست وزارت دفاع کاملاً تر شد . تاسیس وزارت جدید نفت ، مهم ترین تغییری بود که همزمان با آخرین ترمیم عملی گشت .

این تغییر و تبدیل را میتوان به معامله های سیاسی - اقتصادی بین خورده - بورژوازی راست و مرتجع و بورژوازی مرتجع تشبیه کرد که تاجر و کوته نظری اولی و " کاردانی " و سیاست بازی دومی ، معامله را بسود دومی بسر رساند : بورژوازی در مقابل هر چه بیشتر مذهبی شدن چهره دولت و کنار گذاشتن عناصر غیر مذهبی و با کمتر مذهبی ، توانست با تاسیس وزارت جدید نفت این منبع سرشار درآمد را که قشر ممتاز روحانیت تعدادش در کنار اوقاف و بنیاد مستغنیین ... آبراهه بیول شخصی خود بسدل کند ، کاملاً در دست خود گرفته تا با استفاده از آن سیستم اداری و اقتصادی خود رابطه منظور سرکوب زحمتکشان و تثبیت وضع موجود سامان بخشد .

اینکه هیئت حاکمه سعی دارد علت اصلی مورد غضب واقع شدن نزیه را با صلاح خودداری وی از تصفیه عناصر فاسد رژیم گذشته و غیره قلمداد کند ، فریبی بیش نیست . رجوع کنید به مقاله " دعوا بر سر درآمد نفت ! " پیکار ۲۳) در غیر این صورت چرا فسادهای کارگران و کارمندان آگاه نفت که از چند ماه پیش تا کنون از دست نزیه فد کارگر بلند است بحاشی نرسید ، و آقای اشراقی رندانه کوشش کرد که افشای مواضع بورژوازی و سازشکارانه (سازش با سرپرندگان رژیم قبلی) او را بحساب خود بگذارد . اگر واقعاً اختلاف با نزیه بر سر عدم تصفیه عناصر فاسد رژیم گذشته از جانب وی می باشد ، چرا به اینهمه فساد روزمره کارگر و کارکنان وزارتخانه ها و کارخانه ها که مدام خواستار تصفیه عناصر فاسد رژیم گذشته هستند توجه نمی شود ؟ و در مقابل آنها " فدا انقلاب " ، " اخلاک " و خوانده میشوند . اما واقعیت چیست ؟ واقعیت

اینست که مذهبی نبودن نزیه (§) البته آنطور که مورد نظر رهبری روحانیت است ، و وابسته بودن و با طرفداری آشکار وی از آیت الله شریعتمداری ، که این خود با توجه به اختلافات روزافزون وی با جناح حاکم روحانیت باعث ختم آیت الله خمینی شده است کافی است تا حکم به برکناری نزیه داده شود . مفاد بر اینست که " دعوا بر سر درآمد نفت " و مقاومت نزیه در مقابل فشار روحانیون حاکم و دفاع وی از منافع دراز مدت بورژوازی در برابر حرص و ولع خورده - بورژوازی مرتجع ، او را " منفور " تر کرده بود . نزیه این واقعیت را با گفتن اینکه حاضر نشده است " توقعات نامشروع مدعیان " را " بر آورد توضیح داد (باعداد ۷/۱۲) تغییر دیگری که در کابینه بازرگان صورت گرفت در مورد فروهر بود . وی که با اعتبار مواضع فاشیستی و ضد کمونیستی شدید خویش و سازش با ارتجاع مذهبی هنوز در کابینه حضور دارد ، با احتمال زیاد صرفاً بدلیل مذهبی نبودنش اینست به حاشیه کشیده شد . و اما چمران ، که همه نیروهای آگاه با پیشینه رضوایش آشنا هستند (پیکار ۱۵) بعنوان یکی از مستمدین امام بر کرسی وزارت دفاع تکیه زد . در این مورد جالب است که متذکر شویم از چندین پیش او به سوژه تبلیغاتی رادیو و تلویزیون قطب زاده (هم باند وی) و پاره ای از مطبوعات ارتجاعی بدل شده بود ، و مدام در باره " نبوغ نظامی " وی و " رشادتهائی " که در کشتار خلق کرد از خود نشان داده است ، چه چیزها که گفته و نوشته شد ! آخر میبایست ذهن مردم را آماده پذیرش " جوجه ناپلئونی " که قرار بود بر مسند وزارت دفاع تکیه زند مینمودند . چمران در عین حال آن چه به مناسبت است که ارتجاع خورده بورژوازی و بورژوازی (لیبرال و وابسته) را در یک نقطه مشترک بر سر حاله پست وزارت دفاع بدو ، به وحدت رسانید . چه اینکه چمران ، در درگیری کردستان در موضع فرماندهی عملیات ، با اقدامات سرکوب گرانه و وحشیانه خود در تنهائش را به روحانیت را فراهم ساخت ، بلکه چمنان بورژوازی را نیز خیره ساخت و تمام جناحهای هیئت حاکمه سرور - انده برایش کف زدند و اقدامات " قهرمانانه " او را ستودند .

خلاصه کنیم ، در حال حاضر ، ترکیب فعلی کابینه بازرگان ، برخلاف آنچه هیئت حاکمه عنوان می کند " یکدست " نبوده و ترکیبی است از عناصر نهضت آزادی (بورژوازی مذهبی) از یکطرف و باند مشکوک متشکل از مهره های مورد اعتماد قشر ممتاز روحانیت از طرف دیگر ، که با تکیه بر همدمی گریسیا ایستاده اند . اما آنچه از نقطه نظر منافع توده های مستعبد شده مطرح است ، این است که این ترکیب علیرغم یکدست نبودن سیاست واحدی را در جهت استحکام موقعیت امپریالیسم در ایران به پیش می برد و این را در تمام عملکردهای اساسی شان می توان مشاهده کرد .

§ - اشراقی در یکی از سخنرانیهای خود آشکارا اعلام کرد : نزیه ارمان زمان که گفت اسلام را نمیتوان در همه جا پیاده کرد ، باید کنار گذاشته می شد (نقل بمعنی) .

اعدام فاشیستی انقلابیون خلق عرب

" این کرکسان گرسنه را بنگر ، کجا می روند ؟ در بهایان چیزی نیافته اند تا بیلند ، اما دادگاهها طعمه شان خواهند داد . "

(برشت)
بدنیال انفجاری که در قطار مسافری غر مشهر - تهران رخ داد و طی آن هشت تن از هموطنان ما کشته و عده ای زخمی به جای ماند ، حادثه ای که تاسف و انزجار خلق ما را برانگیخت ، بماصله چند ساعت ، هشت نفر از اهالی عرب خوزستان به جوخه های اعدام سپرده شدند . کمال بی خردی است اگر چنانچه اقدامات تروریستی نظیر بمب گذاری در قطار مسافری به انقلابیون راستین عرب نسبت داده شود . هیئت حاکمه نیز با تمامی سعی که دارد ، نخواهد توانست این وعده ناجور را به انقلابیون عرب بپایاند تا با تمسک بدان ، که بی گمان کار همان ساوکی هائی است که خود ، آزادشان گذاشته است ، جوانان عرب را دشته دشته روانه مملکت کند و در عین حال فریبکارانه دم از عدل و داد بزند .

مردم ایران بخوبی میدانند که رژیم شاه نیز بمنظور انتقام کشتی دست باینگونه کشتارهای جمعی میزد . اعدام ۹ رزمنده انقلابی در شبهه های اوین نمونه ای از این انتقام گیریها بود . و اکنون هیئت حاکمه و جلادانی چون مدتی و چند آخوند مرتجع بغیال خود شان با بدست آوردن بهانه مناسب ، ۸ تن از فرزندان عرب را بدون رعایت حداقل موازین انسانی به گلوله بستند . اینک چرم آنها چه بوده ؟ در کدام دادگاه و طی چه محاکماتی به اعدامشان محکوم کرده اند ؟ اصولاً کی و کجا و به چه دلیل دستگیر شده بوده اند هیچکدام روشن نیست . " توضیحی " که دادستان ادسرای انقلاب اسلامی آبادان غر مشهر در مورد این کشتار و حشانه داده است است شما بنگر اوج بربریت این جلادان است وی میگوید که این هشت تن " همگی به جرم ارتباط با عوامل برون مرزی و طی دوره های چریکی و تهدید مقامات قیام مسلحانه ، طرح انفجار خط راه آهن غر مشهر و جاده های نفت محکوم به اعدام شدند . " توجه کنید به کلمات به کار برده شده و مقایسه کنید با وهائی که رژیم خونخوار شاه ساواک در مورد چنانچه تاش تحویل مردم می داد . دلایل اعدام را بنگر : د " ارتباط با عوامل مل برون مرزی ! " مردم می پرسند کیستند این قوامل برون مرزی ؟ اگر بر یکی به گفتشان نیست ، چرا از معرفی این " عوامل " خودداری کرده توده ها را در مقابل خطرات این " عوامل " آگاه نمی سازند ؟ واقعیت اینست که چنین " عواملی " وجود خارجی نداشته و تنها وسیله ای است برای پوئاندن ماهیت این " کرکسان گرسنه " و دروغی است برای فریب مردم .

رژیم پهلوی نیز کسری ها را برجم فکر بقیه در صفحه ۵

(§) - البته وی اختلافاتی نیز در مورد لزوم وجود سندیکا و افزایش دستمزدها دیگران داشت .

روز سه شنبه ۵۸/۶/۲۰ به جوخ آتش سپرده شدند

رفیق در آخرین لحظات زندگی پرشور و شجاعانه میخواست چشمانش را با شعله شادمانی برافروشد و دژ حماش بر خود بلرزاند و هنگامیکه رنگارنگ گلوله های ضد انقلاب سینه بر مهرش را شانه رفت او از اعماق دلش سرود میخواند و فریاد بر میآورد (کی نه له کورد، مردو)، (کرد هرگز نمی میرد)، آری، مبارزان راه خلق هرگز نمی میرند، شهادت رفیق بهمن عزتی، خشم و نفرت عمیق و ناشی آتش در قلب آنانکه او را میشناختند، در قلب تمامی زحمت کشان کامیاران که با او ریشه بودند، و در قلب تمامی کسانی که از این جنایت آگاه شدند، ایجاد کرد. پدرش می گوید: "او چیزی نداشت که ما را بیادش بیاندازد. تمام دارائیش رختخواب او در کامیاران است". بهمن نمرده است، در قلبهای ما زنده است و مبارزان راه خلق، ادامه زندگی او هستند، زندگی بافته از زندگی و مرگ او یادش گرامی باد.

گرامی باد خاطره رفیق شهید

کاک حسین پیر خضری

"کاک حسین پیر خضری" یکی از اعضاء برجسته سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان بود که توسط خلع خالی هینتر همراه با برادر بزرگترش و دو نفر از مبارزان سروان و یک رزمنده، نهرانی به جوخ، اعدام گردید. کاک حسین از کسانی بود که اردو را کودکی با دهقانان بزرگ شده و به همین جهت خدمت به زحمتکشان جزو گوشت و پیوسته او شده بود. سالها در دهات اطراف دیواندره به مملی مشغول بود و بعد از مدتی به دهات مرپوان رفت. پیوند او با زحمتکشان چنان عمیق بود که مرتجعین محلی جرأت حمله، مستعجم به او را نداشتند و همیشه در فکر توطئه علیه او بودند. حتی چند بار از جانب مرتجعین محلی در معرض خطر مرگ قرار گرفت ولی هر بار با برخورداری از جلاکسی و زندگی خاص زحمتکشان، سالم از مهلکه فرار کرد. او چنان با زحمتکشان جوش خورده بود که مردم او را به اسمهای ارفیبل "لاله"، "دانی" "مامه" (مخفف ممو) خطاب می کردند. در بیان مسائل سیاسی بر زبان ساده و نوده ای، استاد برجسته ای بود و منکلترب مسائل اجتماعی را با ضرب المثل ها و تمثیل های نوده ای بیان می کرد. او را محبت مردم اعما "ککبه شی خوشیاران" و مستو "سادا سادیه در شهر مرپوان" بود. دهقانان در مسائل و مشکلات خود با او مشورت می کردند، و به همین جهت، مورد کینه و دشمنی مرتجعین و فئودالهای شرور محلی قرار گرفته بود. سرانجام هم با توطئه و همکاری آنان بدام دادگاه صراشی خلخال ضد بشر افتاد و بطرز وحشیانه ای بعد از شکنجه فراوان بدون هیچ محاکمه ای شهرباران شد. (تلخیص از اعلامیه ۵۸/۶/۱۹ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان)



زندگی سرشار از مبارزه رفیق شهید

بهمن عزتی

چون شهادت سرخ و شکوفان بود

جمعیت به سبب فعالیت های خود آنچنان با توده زحمتکش رابطه برقرار کرده بود که کارگران پیکار کامیاران تقسیم وام بیگاری خود را به جمعیت سپردند. رفیق و سایر رفقای جمعیت با عشق و علاقه اینگونه مسئولیتها را میپذیرفتند و انجام میدادند. رفیق بهمن را سایر رفقای انقلابی در مبارزات کارگران کامیاران برای احقاق حقوقشان شرکت فعال داشت. رفیق همچنین در سازماندهی مبارزات مردم مرپوان در مقابل یورش رژیم ضد انقلاب، نقش شایانی داشت. مبارزات یکپارچه ای که ارزش را

و ادوار به عقب نشینی نمود. بدینگونه، رفیق شهید بهمن عزتی، در هر یک از ایام زندگی حیات بخش پر-خروش، چهره ای پویا و انقلابی داشت و قلبی سرشار از عشق به زحمتکشان. هنگامی که درگیریهای پاوه به توجع پیوسته بود، رفیق بهمن را دکتر رشید قدس داشتند دارو و وسائل پزشکی به پاوه برسانند. برای این منظور آنها ساعت ۲ بعد از ظهر ۵۸/۶/۱۷ از کامیاران حرکت کردند. (که این خود دلیل بر عدم شرکت آنان در درگیریهای پاوه بر خلاف ادعای دروغس حاکم شرع! است). این دو رفیق روز یکشنبه در فوری قلعه دستگیر شدند. آنها را با یک تانکر تفنگش به روانسر بردند. و پس از دو روز اسارت با آنها ماتی واهی و تنها بحرم عشق آتشین به زحمتکشان و مبارزان فخرمانه در راه خلق به همراه عده ای دیگر از انقلابیون، سحرگاه

رفیق شهید بهمن عزتی، در سال ۱۳۲۷ در روستای الاخانه کرمانشاه، متولد شد. پس از آنکه دبیرستان را سپایان رسانید، در مدرسه سعادت کرمانشاه بطور روزمزد به تدریس پرداخت. او به مملی عشق می ورزید و به همین دلیل بعد از آن که لیسانس تاریخ خود را از دانشگاه تهران گرفت و در سال ۵۴ به دبیری در دبیرستانهای کامیاران پرداخت. رفیق با عشق فراوان به خلق خدمت میکرد. او در تمامی سالهای تدریسش در دبیرستانهای یادگار کامیاران و کرمانشاه، تنها یک دبیر نبود، بلکه با شاگردان خود رابطه عمیق و رفاهت پرشوری داشت. در مدرسی که درس میداد کتابخانه داشت می کرد. شاگردانش را در مسافرتها و دستجمعی با زندگی مردم آشنا می نمود. به مسائل و مشکلاتشان با غمخواری میرسید و با تمام وجودش برای آنان کار میکرد.

رفیق، بسبب عشق پرشور به خلق و خصلت انسانی که داشت، چهره ای مردمی و مورد اعتماد بود که مردم برای حل مسائل شان، و مشورت و گره گشایی، همواره به او مراجعه میکردند، بطوریکه پیوسته محکمی میان او و مردم زحمتکش محب زندگیاش برقرار شده بود. عمق این پیوندهای انسانی آنچنان بود که چند تن از شاگردانش، آنگاه که خبر اعدام غیر انسانی و ناخواندانه او را بدست دژ حماش ضد انقلاب شنیدند، تاب باورده و دست به خودکشی زدند! رفیق از بسیا دگداریان جمعیت دفاع از آزادی زحمتکشان کامیاران بود که در ایجاد اتحادیه های دهقانی روستاهای (ش لک) و (سارم آباد) و ... سهم عمده ای داشت.

چهل روز گذشت...

ای مرغهای طوفان! پروازتان بلند، آرامش گلوله سربی را

در خون خویشستن

اینگونه عاشقانه پذیرفتید،

اینگونه مهربان

نهم مهر ماه مصادف بود با چهلمین روز شهادت دکتر رشید قدس سرداری و دیگر رزمندگانی که در این روز در پاوه به جوخ آتش سپرده شدند، و ۱۵ مهر ماه مصادف با چهلمین روز شهادت دلاوران و انقلابیونیکه در این روز در پادگان سفز توسط عوامل رژیم ضد خلقی حاکم اعدام شدند و ... قدرت حاکم کردد لاله می پندارد که با اعدام انقلابیون همه چیز تمام می شود دولت سرمایه داری و یاران مرتجعش نمی توانند

بفهمند که چون رزمندگان انقلابی، با از زحمتکشان هستند و با از ستم بی پایانی که بر زحمتکشان روا می شود، الهام می گیرند، این چشمه خشک نشدنی است. اما تو ای شهید!

تو ای شهید

راضطراب تو، دشمن

چه ضجه ها که نکرد

چه حبله ها که نداشت

تو بودی و آتش

و لخته های قرمز خون

و کوه غریب و تنهایی

بعد از تو دشمن بسار کوسید، نام ترا از یادها ببرد و راه را در کورته جلوه دهد اما

خاکستر ترا

باد سحرگهان

هر جا که برد،

مردی ز خاک روئید.

گزارشی از مبارزات کارکنان کشت و صنعت کارون

چندی قبل مدیریت جدید کشت و صنعت کارون عده‌ای ارتکارکنان سیر و سلاخی آن شرکت را به بهانه تصفیه و اینکه ما زاهد احتیاج هستند، اخراج می‌کند. کارکنان که از یکطرف شاهد ابقای افراد نامالغ و شناخته شده رژیم مزدور شاه در پستهای حساس و از طرف دیگر استخدام و جایگزینی افراد مبتدی و بی تخصص بجای کارکنان اخراجی بودند، دست به اعتراض می‌زنند. مدیریت شرکت در پیچیده (یکسی از روستاهای نزدیک نوشتر) جواب هرا اعتراضی را، هر چند کوچک با اخراج و یا تبعید به سایر قسمتهای شرکت پاسخ می‌گوید و به این ترتیب چنان فضای اختناق و وحشتی ایجاد میکند که بقول کارکنان شرکت، سرهنگ افراسیابی معدوم، رئیس حفاظت شرکت در زمان شاه شاهین روسفید می‌شود! و چنین است که کارکنان اینها را از صبح روز ۵۸/۶/۲۱ بعنوان اعتراض به اخراج هکارتان و نحوه عملکرد مدیریت جدید دست از کار می‌کنند. با انتشار این خبر، انشوری رئیس حفاظت که حالا به آن حراست!! می‌گویند با عجله سراغ کارکنان اعتصابی میرود و با کمال بی‌ترسی می‌گوید: "کدام کره الاغی شما را اینجا جمع کرده!" (می‌پندید؟ برخورد بدی زنده است که انسان بی اختیار زمان قبل از قیام برایش ندای می‌شود و سرهنگ افراسیابی را در هیئت انشوری می‌پندد!)

کارکنان که خود را با چنین موجودی مواجه می‌پندند اورا ببادنا سزا می‌گیرند و از محوطه بیرون می‌اندازند. پس از رفتن وی، کلاهدوز قاشم مقام مدیرعامل در پیچیده پیش کارکنان میرود و با تهدید از آنها میخواهد که به سرکار خود برگردند. کارکنان به حرفها و تهدیدهای او توجهی نمی‌کنند. پس از مدتی پرده سوم آغاز می‌شود و افرادی از طرف کمیته رابط اسلامی کارون مستقر در پیچیده نزد کارکنان می‌آیند و اخطار می‌کنند که: "اگر سرکارهای خود باز نگردید با زور شما را می‌فرستیم." کارکنان همچنان با عزمی راسخ به اعتصاب ادامه می‌دهند. پس از صرف نهار، در ساعت ۱۵ ظهر مقابل اداره مرکزی شرکت اجتماع میکنند. اینبار تعداد زیادی از کارکنان قسمتهای مختلف به آنها می‌پیوندند. در این هنگام کلاهدوز بهمان جمعیت می‌آید و با نیرنگ و فریب سخنان خود را از اسلام و انقلاب اسلامی شروع میکند و اینکه عمل شما برخلاف خواست رهبر انقلاب است و شما نباید اعتصاب کنید و در این موقعیت حاسم هرا اعتصاب کننده‌ای فد-

انقلاب است و... اما این خربه بدلیل روشن بودن ماهیت مدیریت جدید برای کارکنان موثر واقع نمی‌شود. کارکنان خواستهای خود را که از جمله تشکیل شورا و اخراج مدیریت جدید بود، مطرح میکنند. کلاهدوز می‌گوید: "اگر شورا زیر نظر مدیریت باشد و در کنار آن دخالت نکند قبول دارم، ولی اگر می‌خواهید شورایی تشکیل بدهید که در امر مدیریت دخالت کند، من با این جور شوراها مخالفم و نمی‌گذارم چنین شورش تشکیل شود. در مورد اخراج مدیریت جدید هم، اگر من از اینجا بروم

کسی بدتر از من می‌آید، دولت فرشته ندارد که بجای من برای شما برود. حرفش بجای من بیاید، از من بدتر است." کارکنان که می‌پندند در جواب خواستهای آنها مزخرف می‌گوید، جواب می‌دهند: "همگی شما خدا نقلاب هستید، شما سرما به داران خون ما را می‌مکید، شما آدمهای دروغگو و بی‌ترسی هستید. ۳۰ نگاه جمعیت با مشتای گره کرده و شمارهای "مرگ پرانشری مرگ بر کلاهدوز، مرگ بر افلاطون" بطرف کارخانه

● مشت کارگران بلند و فریاد: "اتحاد، اتحاد، علیه سرما به دار...
● انگشت پاسداران روی ماشه، ۳ و ولوله آن به سمت کارگران

حرکت میکنند. نزدیکیهای کارخانه شمار خود را به صورت زیرتفخیر می‌دهند: "مرگ بر سر مفسدین کارون - انشوری، کلاهدوز، افلاطون". نظا هر کنندگان در حالیکه کارخانه را دور می‌زدند، شعار می‌دادند: "دردها دردها است، ملت شما ملحق شوید" با "پیام ظالمانی، شهادت است و شورا". جمعیت لحظه به لحظه زیادتیر می‌شود، آنگاه کارخانه را بقصد رفتن به قسمتهای دیگر شرکت ترک میکنند. پس از سرزدن به سایر قسمتهای شرکت و تعطیل شدن آن قسمتها، همگی در میدان پیروزی اجتماع میکنند. (میدان پیروزی، محل تجمع پیروزمند مهرماه گذشته بود و سال در دست در سالگشت آن و با وجودیکه رژیم مزدور شاه سرنگون شده اما چون روابط ظالمانه همچنان پابرجاست، آنها ناگزیرند برای بررسی راههای گرفتن حقوق پامال شده‌شان باز هم در همان محل اجتماع کنند.)

ابتدای یکی از کارکنان سخنرانی افشا گرانده‌ای می‌کند و پس از آن قطعه‌ای که خواستهای کارکنان را بیان می‌کند، قرائت میشود. آنگاه با این قرار که روز ۵۸/۷/۱ هیچکس سرکار نشود و در همان میدان پیروزی جمع شوند، محل را ترک می‌کنند. اما جمعیت چنان کینه و نفرتی به مدیریت داشت که با شعار "مرگ بر کلاهدوز" بطرف ساختمان اداره مرکزی که دفتر کلاهدوز و انشوری در آن قرار دارد، حرکت می‌کنند. ورود آنها به ساختمان موجب تعطیل تمام آن قسمت میشود. کلاهدوز با وقاحت تمام کنار پنجره اطاق خود می‌ایستد و از جمعیتی که علیه او شعار می‌دادند، سان می‌پندد. جمعیت با شعار: "مرگ بر کلاهدوز، کلاهدوز اخراج باید گردد." اداره را ترک می‌کنند.

کارکنان روز ۵۸/۷/۱ در مقابل اداره مرکزی اجتماع میکنند. ابتدا اعلامیه‌ای از طرف فرمانداز نوشتر بین آنها پخش می‌شود بدین مضمون: "عده‌ای فدا انقلابی و عمال خارجی شما را تحریک می‌کنند تا این واحد بزرگ تولیدی را بورژوازی بکشند و دولت انقلابی را ضعیف کنند." اغلب کارکنان اعلامیه‌ها را پاره می‌کنند و با فریاد می‌گویند: "ما فدا انقلابی نیستیم، ما فقط از حقمان دفاع می‌کنیم." پیش از شروع اعتصاب و هنگامیکه تازه زمزمه آن آغاز شده بود، افراد کمیته اسلامی که خود از

کارکنان شرکت هستند ولی آگاهانه و ناگاهانه در خدمت سرما به داران درآمده‌اند، جلوسرویسهای کارگران را می‌گرفتند و می‌گفتند: "کارمندان می‌خواهند با اعتصاب خود، کارخانه را تعطیل و شما را بدمت کنند، شما در اعتصاب شرکت نکنید. مدیریت شرکت اطلاعیه داده که می‌خواهد ۱۸۱ ربال بشما اضافه حقوق بدهد. (این مبلغ یکی از خواستهای کارکنان است که شرکت می‌بایست از اول فروردین به ما ۵۸ پرداخت می‌کرد ولی تاکنون از آن خبری نشده است.) و به این ترتیب می‌خواستند بین کارگران و کارمندان تفرقه ایجاد کنند و آنها را بر علیه

کارمندان بشورانند. اما کارگران که صداقت و دوستی کارمندان را در اعتصاب سال گذشته تجربه کرده بودند به حرفهای آنها توجهی نکردند و عده‌ای از آنها در اعتصاب چسبند. حدود ساعت ۱۰ صبح یکصدت پادار مصلح بطرف جمعیت می‌آیند. در این هنگام یکسی از کارکنان بلند می‌شود و با مدای بلند داد می‌زند که: "دوستان نترسید، ما ۶۰ هزار کشته داریم و باز هم می‌دهیم، نترسید. انسان یکبار متولد می‌شود و یکبار هم می‌میرد. بگذارید ما کشته شویم تا دیگران راحت گردند و زیر بار ظلم و ستم نباشند." جمعیت همه می‌شنیدند، با سادارها با حالت مسخره و به سبک پلیس آرمهری دور جمعیت حلقه می‌زنند، انگشت دستهای روی ماشه

۳ - ولوله آن بطرف کارگران. در این موقع سرپرست پاسداران به جمعیت نزدیک می‌شود و عده‌ای دور او حلقه می‌زنند، وی خود را خلف رفاشی، رئیس پاسداران اعزامی از طرف دادستان انقلاب اسلامی دزفول معرفی می‌کند، که آمده است تا به اعتصاب کارکنان کشت و صنعت کارون خاتمه دهد. کارکنان سخت به او اعتراض می‌کنند که این چه حرکتی است که شما انجام می‌دهید، مگر ما اسرائیلی هستیم که مصلح و انهم بحالت هجوم دور ما را گرفته‌اند؟ چرا شما مانند رژیم سابق به حرف سرما به داران گوش می‌دهید؟ رئیس پاسداران وقتی با چنین صحنه‌ای روبرو می‌شود، کمی خجالت می‌کشد و می‌گوید: "والله من نمی‌دانم، شما گفتند، بروید اعتصاب را خاتمه بدهید. ۳ نگاه غافه می‌کند که: "ما امام اعتصاب و کم‌کاری را حرام کرده و شما نباید دست از کار بکشید و با کم‌کاری کنید، شما می‌توانید از راه اداره کار و با سایر ادارات به خواسته‌های خود برسید." هنوز حرفش تمام نشده بود که کارکنان با صدای بلند می‌گویند: "ما سماء است که به همه جا شکایت کرده‌ایم و خواستار بازگشت همکاران اخراجیمان شده- ایم، ولی هیچکس بداد ما نرسید."

پس از مدتی بحث و گفتگو، قطعه‌ای که بیانگر خواسته‌های کارکنان بود خوانده می‌شود، که چندیندمهم آن عبارتند از:

۱ - اخراج مدیریت شرکت در پیچیده
۲ - بازگشت کارکنان اخراجی
۳ - تشکیل شورای کارکنان و...
رئیس پاسداران تمهیدگفتی می‌دهد که ۱۶ مهرماه، خواستهای آنها را برآورده کند بقیه در صفحه ۲

بخشنامه‌های ضدکارگری دولت و مقاومت کارگران

دولت ضد انقلاب، در ادامه منطقی تصمیمات و سیاستهای ضد کارگری، بخشنامه ای صادر کرده است دایر بر اینکه تعطیلی پنجشنبه‌ها میبایستی در کلیه کارخانه‌ها لغو شود و در عوض ساعت روزانه کار از هشت ساعت به هفت ساعت تقلیل یابد. پنجشنبه‌ها هم ساعت کار ۵ ساعت باشد. یکی از دلایل این تصمیم ضد کارگری اینست که دولت سرمایه‌داران معتقد است که کارگران در ساعت هشتم به علت خستگی دارای بازده کار مناسب نیستند. آری منطق سرمایه‌داری همواره در مقابل منطق زحمتگشان قرار دارد. کارگران میگویند ۴۰ ساعت در هفته، و به‌ویژه و زو شام می‌مرغمین میگویند، ۴۸ ساعت کار در هفته، آنهم کاری که حداکثر ارزش اضافی را بدست دهد. اما میوه چنهان انقلاب که گمان میبرند که حتی را که کارگران از حلقوم رژیم شاه بیرون کشیده اند اینها توان بازپس گرفتن اش را خواهند داشت، کور خوانده اند! اولین عکس العمل های کارگران گویای این حقیقت است:

پالایشگاه آبادان

دربی بخشنامه دولت مبنی بر لغو تعطیلی پنجشنبه‌ها در تاریخ ۵۸/۷/۲۴ بخشنامه ای از طرف هیئت رئیس پالایشگاه و خدمات آبادان صادر گردید که بلافاصله توسط کمیته نمایندگان منتخب کارگران پالایشگاه اطلاعیه ای صادر و بطور وسیع در مقابل بخشنامه ضد کارگری شرکت نفت در پالایشگاه توزیع میگردد. متن اطلاعیه کارگران چنین است:

از کمیته نمایندگان منتخب کارگران پالایشگاه آبادان به ریاست پالایشگاه آبادان پیرو بخشنامه مورخه ۵۸/۷/۲۴ شماره ۸۴/۵۸ هیئت رئیس پالایشگاه جهت کار در روزهای پنجشنبه، کمیته کارگران پالایشگاه آبادان فاطمه اعلام میدارد، از آنجا که تصمیم متخذه بدون مشورت نمایندگان کارگران بوده بدینجهت کارگران کمافی السابق ساعت کار معسرا ادامه خواهند داد.

کمیته نمایندگان منتخب کارگران پالایشگاه آبادان روز شنبه ۵۸/۷/۲۴ کارگران می‌بایست طبق مفاد بخشنامه صادره شرکت نفت از ساعت ۷ صبح تا ۲ بعد از ظهر کار کنند (یعنی ۷ ساعت در روز) ولی کلیه کارکنان متحصدا تا ۲ بعد از ظهر در محل کار خود ماندند و حتی راننده‌های اتوبوس هم حاضر به خارج شدن از کاراژ نشدند و بدینترتیب از پیروی

بقیه در صفحه ۱۰

قرار می‌داد، تشکیلات سراسری و بهر قدرت صنفی کارگران وجود نداشت. کارگران پیرو در زمینه سازماندهی مبارزات کارگران از تجربه زیادی برخوردار نبودند و به اهمیت تشکیلات منظم و آهنگ برای کارگران پی نبرده بودند. در همین حال (به‌ویژه در تهران) تعدادی از نمایندگان کارگران بیکار، نمایندگان واقعی کارگران بیکار نبودند و بیشتر برای ارضای شایلات خود به پیش قدم شده بودند. کارگران نمایندگان خود را در عمل نشناخته بودند. اختلاف مابین نمایندگان کارگران بیکار زیاد بود و اغلب آنها بر سر شیوه‌های مبارزه به توافق و اتحاد نظر نمی‌رسیدند.

در بین نمایندگان افرادی نیز بودند که در دایره تنگ خودبینی افتاده و تئوروی پوچ به تمام حرکات آنها سایه افکنده بود. اینان گاهی بقدری تند می‌رفتند که از خواست کارگران فرسنگها فاصله می‌گرفتند و از آنها بیگانه می‌شدند و گاه برعکس، چون پشوانه اینگونه افراد منطق کارگر نبود که مایل را حل نمید حتی اغلب بدام انحراف از مسیر اصلی و سازش می‌افتادند. این عده بجای پیگیری طرح اصولی "حق بیمه" بیکاری، "وام بیکاری" را پذیرفتند و موجب شدند که تشکیلات کارگران عملا از درون مورد تهاجم دشمن قرار گیرند. نمایندگان هم بودند که بدلیل وابستگی به جریانات سیاسی منحرف و عاش (نظیر حزب توده و سایر جریانات انحرافی و وابسته) اصولا معتقد بودند که مبارزات کارگران موجب تضعیف "دولت انقلابی" می‌گردد و کارگران باید که به همان مقداری که دولت می‌دهد، رفاقت دهند! اینها از پشت به کارگران خنجر می‌زدند و خباثتکاران به طبقه کارگر هستند.

در حال حاضر بعد از گذشت بیش از ۶ ماه از مبارزات متشکل کارگران بیکار - نمایندگان واقعی کارگران شا حدود زیادی شناخته شده اند. متاثرنا پیگیر، در عمل نشان داده اند که تا به آخر با کارگران نیستند، با تشکاران هم از چشم تریبین کارگران دور نمانده اند. در حال حاضر امکان انتقادات صحیح نمایندگان واقعی کارگران آماده تر شده است.

۲- نبودن تشکیلات واقعی:

هنا نظر که گفته شد، کارگران بدلیل کمی تجربه نتوانستند تشکیلات واقعی خود را بهریت بسجود آورند. در همین حال نبودن رهبری واحد بر مبارزات کارگران بیکار، سازماندهی کارگران بیکار را بسیار مشکل روبرو ساخت. طرحهای مختلفی از جانب نمایندگان و جریانات گوناگون مطرح شد که هیچکدام واقعی نبودند. بی تشکیلاتی کارگران تا ۲ ماه بعد از اعلامیه داشت. ۲ ماه پیش، کارگران پروژه ای اقدام به تأسیس سندیکا های واقعی خود نمودند و چون این طرح اصولی بود، موفق شد طی مدت کوتاهی کارگران بسیاری را جمع آوری نماید. تشکیلات سندیکا ها و تحکیم آنها ادامه داشت که جریا ن عملیه هیئت حاکمه به کردستان، روزنامه ها، نظارات مسالمت آمیز مردم و خانه کارگر پیش آمد. رژیم ضد انقلاب با حمله غرود به خانه کارگر نشان داد که حتی ابتدایی ترین آزادیهای صنفی را برای کارگران تحمل نمی‌کند. بعد از آن، یکمورد رکود ۱/۵ ماهه بر مبارزات کارگران بیکار چیره شد (هر چند نمایندگان واقعی و کارگران مبارز بیکار، دست از مبارزه نکشیدند و در نهان امور تبلیغی - ترویجی - سازماندهی را رهبری کرده، پیش می‌بردند). کارگران بیکار قعد داشتند بعد از محکم نمودن سندیکا های خود، اقدام به تشکیل "اتحادیه" کارگران پروژه ای" بنمایند. این هدف همچنان دنبال می‌شود.

در این بین دولت ضد انقلاب، به همراهی "وزارت سرمایه" اش کوشید مبارزات کارگران را منحرف نماید در این راه حزب توده و سایر جریانات انحرافی و وابسته نیز شام تلاش خود را بکار بردند و بدین ترتیب همستان با وفا شی برای دولت ضد انقلابی بودند. رژیم برای تقویت سندیکا های وابسته ای که از جانب حزب مبارز بیکار، ایجاد شده بود، بدون هیچگونه مبارزه ای پرداخت وام بیکاری را به آنان سپرد (در آبادان، تهران ...). و وزارت سرمایه سندیکا های فرمایشی آنان را به رسمیت شناخت!

هنگام گشایش خانه کارگر که هنوز اول کار بود و بهمین جهت کارگران باید مبارزه می‌کردند و خطرات و مشکلات را قبول می‌کردند، این دلالت جبره خوار تا زمانیکه خطر رفع نشده بود، دلالت خود غریبه بودند. لیکن هنگامیکه محصول رسید، داسها را برای دزو آماده کردند تا زودتر حاصل مبارزه کارگران را دریافت و با اربابان خود ببریزند. موقعیکه کارگران مبارز مبلغ ۱۰۰۰ تومان وام بیکاری و حق اولاد را از دولت می‌خواستند، این آقا بان با خوشرفی تمام به ۷۵۰ تومان خالص راضی شده و نشان دادند که در مواقع حاسی منجر خیرات خود را بر پشت کارگران فرو می‌برند. واضح است که دولت ضد خلقی نیز خواهان ابزار مناسبی است تا از آن بعنوان عیاق سرکوبی طبقه کارگر استفاده نماید. این آقا بان با خیانتهاشان به طبقه کارگر، به دولت ضد خلقی نشان دادند که اگر در درون طبقه کارگر جابگیرند، می‌توانند با لباس کارگری کارگران را از درون متلاشی نمایند، بنا بر این بطور مجعزه آسای بیرون کوچکترین مبارزه، صاحب طبقه بالای خانه کارگر شدند!!

در حال حاضر عده ای بر سر برده به رژیم سعی دارند با تشکیل با صلاح "کنفدراسیون کارگران ایران" تشکیلات وابسته به رژیم را ایجاد کنند. این با صلاح کنفدراسیون، از پشتوانه کارگری برخوردار نیست عده ای معدود از کارگر فروشان گذشته با حمایت دولت ضد خلقی، اقدام به ایجاد این تشکیلات قلابی کرده اند وزارت سرمایه تشکارا و در نهان، شیدا از اینها دفاع می‌کند! لیکن مشت این خود فروختگان از قبیل در نزد کارگران باز است و دیگر حنای آنان رنگی ندارد.

در مورد چگونگی تشکیلات کارگران بیکار، مادر "بیکار" شماره ۱۳ و "کارگر به پیش" شماره ۲ عملا بحث کرده ایم. در اینجا ما پیشنهاد تشکیل "اتحادیه های کارگران پروژه ای" (و در نهایت اتحادیه سراسری کارگران پروژه ای)، پیشنهاد تشکیل کمیته های از کارگران بیکار اصناف و کارخانه های کوچک و بزرگ که اخراج شده اند را نموده ایم، که در آخر به تشکیل "گاتون سراسری کارگران بیکار" می‌انجامد. ما اقدام به انتشار مجدد این طرح خواهیم نمود.

بقیه در صفحه ۱۰

حق بیمه بیکاری "هم حق کارگران بیکار است، هم حق کارگران شاغل"

بقیه از صفحه ۹

۳- نبودن "طرح" واحد:

چون رهبری و تشکیلات واحد وجود نداشت، ممکن شد که کارگران حول یک طرح متفق گردانند. کارگران بکار از همان ابتدا، خود طرح "حق بیمه بیکاری" را مطرح نمودند (در ضمن وزارت کار)، لیکن بعداً، دلیل رخصت عناصر چپ‌ساز و سازشکار در رهبری کارگران بیکار و ناآگاهی عده‌ای دیگر از نمایندگان، "وام بیکاری" رژیم مورد پذیرش قرار گرفت.

در حله‌ای که نمایندگان کارگران بیکار از سراسر ایران در آن گرد آمده بودند، طرح وام بیکاری رد استناد قرار گرفت، لیکن رفقای نماینده‌ای که بطرح "حق بیمه بیکاری" با فشار می‌کردند در نهایت قرار گرفتند.

همانطور که گفتیم، رژیم طرح وام بیکاری را از آن جهت تلم کرد که کارگران را به انحراف کشانیده پرداخت مقدار ناچیزی پول به عده‌ای از کارگران، در بین آنها دوستی و برابری ایجاد نماید و تکیلات کارگران را برهم بزند. کارگران را با دادن وام، تحمیل و تحقیر کند و اینطور وانمود کند که حق بیکاری "حق شما نیست، بلکه با دادن وام شما لطف کرده، مدقه می‌دهم!!" و مهمترین رزیم بد انقلاب با طرح "وام بیکاری" میخواست از زیر بار مسئولیت سرکوبن شکم میلینها انسان‌گرسنه فرار کند، که کرد! رژیم با این طرح در درجه اول تشکیلات کارگران را مورد حمله قرار داد. به این ترتیب که کارگران بطور انفرادی در مقابل دولت قرار می‌داد. رژیم با ایجاد "صدوق وام بیکاری" کارگران را شکست بر می‌آورد و مطابق میل خود و مواظب ساختن خود، با آنان رفتار می‌نمود. به همین نحو بود که توانست ز ۲/۵ میلیون نفر بیکار، فقط به ۱۲۰ هزار نفر وام پرداخت نماید!

"حق بیمه بیکاری" به کارگران می‌فهماند که کل طبقه کارگر توسط طبقه سرمایه‌دار استثمار می‌شود. با این زمانیکه عده‌ای از کارگران بیکار می‌شوند، دولت نماینده سرمایه‌داران میبایستی قسمتی از درآمد سرمایه‌داران را که از استثمار کار کارگران حاصل شده است، بصورت "حق بیمه بیکاری" به کارگران پرداخت نماید. لیکن دولت موقت با طرح وام بیکاری قصد تحقیر کارگران را داشت، آن‌ها به کارگران می‌گفتند: "شما پول مفت می‌خواهید!! کار نکرده، مزد می‌خواهید!!" (از گفتار وزیر سرمایه سابق سابق فروهر در آبادان). این نماینده سرمایه‌داران می‌خواهد بر استثمار و حشاشه کارگران توسط سرمایه‌داران جوخه‌ای سرپوش بگذارد، لیکن رسوا تر از آن است که بتواند!

همانگونه رژیم در صدد است که همین مقدار ناچیز وام بیکاری را هم دیگر پرداخت ننماید. دولت ضد-بغلات زمانیکه از یک طرف مبارزات کارگران و سایر سوده‌های خلق ما را می‌گرفت، و از طرف دیگر هنوز خواسته‌شده و مسائل سرکوبگر (ارتش، پلیس، ساواک جدید و...) را که در دوره قیام متلاشی شده بود، بازسازی کند، اقدام به عقب‌نشینی‌های محدودی نمود. لیکن حالا بعد از گذشت ۷ ماه از قیام بهمن ماه - دولت خواسته‌است تا حدود زیادی ارتش، ساواک، پلیس و... را سازماندهی کرده، تحکیم نماید. رژیم با کمک این وسائل و ابزار، جنگ خونباری را بر سوده‌های خلق ما اعمال نموده و می‌رود تا تمام دستاوردهای تمام راه‌پایه‌ها را برپا بگذرد. حمله به کردستان، بستن روزنامه‌ها، حمله به نظاره‌گاه‌ها، محاکمه مردم حمله به سازمانهای سیاسی، ایجاد جو ناامنی و وحشت شدید و... گونه‌هایی از کوشش رژیم برای زیر پا گذاشتن دستاوردهای قیام است. سپردن حق "وام بیکاری" گونه بسیار کوچکی از این دستاوردها بود که حالا مورد پوشش رژیم قرار گرفته است.

اینها گونه‌ای از تاج‌عظیم مبارزات پرشکوه شما کارگران مبارز است. این تاج‌بهره‌ما می‌آموزد که: ۱- به "دولت موقت" انقلاب!! هیچگونه اعتماد و اطمینانی نداشته باشیم. این دولت نه می‌خواهد و نه می‌تواند به درخواست کارگران پاسخ مناسب بدهد. طی این مدت، دولت موقت اقدام به توطئه‌گری، سرکوب کردن کارگران، برهم زدن تشکیلات آنان، حمله به جمع‌ات‌آنان و حتی کشتار و ضرب و شتم کارگران نموده است. هیئت حاکمه اقدام به سرکوب خانه کارگر نموده است. کارنامه این دولت طی ۷ ماهی که از تشکیل آن می‌گذرد، برآستار حساب به خلق، کشتار نموده‌های رحمت‌کن و محکم کردن خابای امپریالیست‌ها، سایرین چه اعتمادی می‌توان به آن داشت.

۲- در انتخاب نمایندگان خود می‌بایست دقت و انرژی صرف نمائیم. عناصر سازشکار و ناپسندیده و سوسه‌خوار خود فروخته و خیانتکار به طبقه کارگر را می‌بایست در صفوف خود افشا و طرد کنیم.

۳- تشکیلات و فقط تشکیلات واقعی خود را بوجود آوریم. فقط و فقط تشکیلات است که ما را پیروزی کارگران می‌بخشد. سندیکاها، اتحادیه‌ها و سایر تشکیلات واقعی خود را بوجود آوریم. از تشکیلات واقعی موجود خود حمایت و پشتیبانی نموده، در حفظ آن بکوشیم.

۴- حول طرح "حق بیمه بیکاری" متحد شویم. صحت این طرح را به میان کارگران برده، توطئه‌های رژیم ضد خلق و ایجاد خود فروخته‌آنها را افشا کرده، اهداف و انقلابی آنان را در پیش "وام بیکاری" خنثی نمائیم.

کارگران مبارز!

سندیکاها و تشکیلات واقعی خود را بوجود آورید!

حول شعارهای زیر متحد شوید:

- ۱- "کار" برای بیکار، ایجاد باید گردد!
- ۲- "حق بیمه بیکاری" پرداخت باید گردد!
- ۳- نباید کارگر اخراج گردد!
- ۴- "خانه کارگر" آزاد باید گردد!

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۸/۷/۱۲

بقیه از صفحه ۹

از بخشنامه دولت ضد کارگری بازگرا سر باز زدند. کارگران ۳ بعد از ظهر که بمنزل می‌رفتند از عمل انقلابی و یکپارچه خود ذوق زده شده و این موفقیت را با دست دادن به یکدیگر و با بلند کردن دستها و گره زدن آنها یکدیگر به هم تبریک میگفتند.

"چاره رنجبران، وحدت و تشکیلات است"

در صنایع فولاد

اکثریت کارگران صنایع فولاد که حدود ۷۰۰۰ نفر میشوند روز پنجشنبه را سرگرا نرفتند. کارگران مبارز این مجتمع با عزم راسخ تصمیم گرفتند که در مقابل این طرح ایستادگی کنند.

شرکت نفت آغا جاری

کارگران صنعت نفت آغا جاری نیز با نزدیک شدن اولین پنجشنبه بعد از صدور بخشنامه دولت برای تصمیم گیری در مورد آن اجتماعاتی را در قسمت‌ها و "یونیت" های مختلف بوجود آوردند و همه یکپارچه معتقد بودند که بایستی در مقابل این طرح ایستادگی کرد، تنها اختلاف کارگران و کارمندان شرکت در این بود که آیا بایستی بر سر کار آمد و کار نکرد یا اینکه اصلاً نباید بر سر کار آمد. که بالاخره اکثریت قریب با اتفاق کارگران شرکت روز پنجشنبه بر سر کار نرفتند. کارگران در جریان این امر باز هم بیشتر به ماهیت "ثورای اسلامی" شرکت آشنا شدند. شورائی که با نخواستار گوناگون می‌کوشید کارگران را به کار کردن در روز پنجشنبه متقاعد کند.

صنعت نفت اهواز

اینجا هم کارگران مانند اکثر جاها روز پنجشنبه بر سر کار نرفتند. توجه خوانندگان را به اعلامیه "کارگران مبارز صنعت نفت اهواز" که در رابطه با بخشنامه ضد کارگری دولت انتشار یافته جلب می‌کنیم:

چرا پنجشنبه‌ها کار نمی‌کنیم؟

یکی از اقدامات انقلابی که توسط کارگر-ان ایران بعد از قیام بهمن ماه صورت گرفت کم کردن ساعات کار از ۴۸ ساعت به ۳۶ ساعت در هفته (تعطیل پنجشنبه‌ها) بود. هیئت حاکمه فعلی در این ۷ ماهی که بحکومت رسیده مرتجعانه سنگر به سنگر با هر چه ارمان قیام پرشکوه بهمن ماه بود، جنگیده است و حقوق کارگران و دیگران را انقلابی جامعه را هر روز بیش از روز پیش پامال کرده است. سرکوب خلق آزاده کرد که خواهان رفع ستم ملی و خودمختاری در جا - بقیه در صفحه ۱۱

نان ، مسکن ، آزادی

نقشه از صفحه ۱۰

اعتصاب و تجمع کارگران فاسترویلر «تهران - جنوب»

ندارد. کارگران در جواب گفتند: «اگر سو مسئولیتی نداری پس چرا خواسته‌های ما را دو ماه قبل گرفتاری و ماقول دادی که به آن رسیدگی می‌کنی؟» که طالقانی جوابی نداشت. و کارگران با شعار «مرگ بروج کارگر» او را از اجتماع خود راندند.

کارگران عموماً به تمام نمایندگان اخطار کردند که هیچ نماینده‌ای حق تبادل نظر با کارفرما و عاملان را بدون درجریان مستقیم قرارداد کارگران ندارد. سپس یکی از کارگران اعلامیه «عدا کارگری «بازرگان» را (که در آن دستور اخراج «خلالگران» و «ضدانقلابیون» را صادر کرده است) افشا ساخته و اشاره می‌کند که توطئه‌ای در حال تکوین است که طی آن می‌خواهند بایک جابجایی کارگران، کارگران مبارز را اخراج کنند. کارگران تا ساعت ۲ بعد از ظهر به تجمع خود ادامه می‌دهند.

روز به شنبه ۷/۲ دوباره کارگران از ساعت ۹ صبح جلوی دفتر کارگری جمع می‌شوند و چندکارگر مبارز سخنرانی کرده، ماهیت دولتی‌های سرمایه‌داری و توطئه‌های کارفرما را افشا می‌کند. و کارگران شعار «زنده باد کارگر»، «مرگ بروسرما به‌دار می» - دهند. سپس یکی از کارگران حمله‌ای جدید کارفرما در مورد بزرگ کردن کمونیم برای کارگران توضیح می‌دهد و آنرا با لفظ «خلالگر» و... رژیم سابق مقایسه می‌کند و همچنین ماهیت نیروی ویژه کارخانه را افشا می‌کند.

در این موقع کارگران دوباره، طالقانی مدبرعامل را به میان جمع می‌آورند. و لی او با زهم خود را غیرمسئول و هیچ‌کاره می‌خواند. پس از این کارگران تصمیم به راهپیمایی می‌گیرند و در قسمت‌های مختلف صنایع فولاد به راهپیمایی می‌پردازند تا به طبقه مرکزی صنایع فولاد می‌رسند. شمارهای کارگران از اینقرار بود:

کمیته ویژه نابود باید گردد

کمیته ویژه نابود باید گردد

شورای انقلابی ایجاد باید گردد.

شورای انقلابی ایجاد باید گردد

اشعری (۱) اخراج باید گردد.

پنجشنبه تعطیل است

پنجشنبه تعطیل است

سپس کارگران با صفوف متشکل از طبقه سوم به طرف دفتر شرکت برمی‌گردند و دانشا همان شماره را تکرار می‌کنند. در همین موقع طالقانی حدود ۵۰ نفر از کارگران ناآگاه را جمع کرده و با بین تبلیغات که اینها کمونیست و خدخدا و اخلاک‌گردد آنها را آماده حمله به معوف متشکل کارگران می‌کند. آنها با جوب و چماق و تکه‌های افراد اعزامی از طرف کمیته به صفوف متشکل کارگران حمله ور می‌شوند. ولی کارگران علیرغم اینکه چندین برابر چماق داران بودند و برآخی می‌توانستند با این عده مقابله کنند با هوشاری از درگیری

همانطور که در گزارش قبلی (پیکار ۲۲) آمد، روز یکشنبه ۶/۲۵ کارگران شرکت فاستر ویلر بدعوت «شورا» تجمع می‌کنند ولی در همین جمع که بعضی از نمایندگان مبارز شورا ترتیب داده بودند، ماهیت «شورا» از طرف این نمایندگان مبارز افشا می‌گردد. کارگران تصمیم می‌گیرند تا برآوردن تمامی خواسته‌ها (لیست کامل خواسته‌ها که حدود ۲۳ خواسته را در بر می‌گیرد در چند هفته قبل تحویل مدیرعامل شرکت شده و اوقول رسیدگی به آن را داده بود ولی از عملی شدن آن خبری نشده بود.) از تجمع و اعتصاب دست بردارند. ولی روز به شنبه همان نمایندگان قلابی که در شماره قبل از آنها صحبت شد، با زهم به میان کارگران رفته و از آنها می‌خواهند که تا روز شنبه ۶/۳۱ به کارفرما برای برآوردن خواسته‌ها مهلت دهند و با طرح مطالبی از قبیل: «دولت جمهوری اسلامی تضعیف نشود»... و بالاخره کارگران را راضی می‌کنند تا به سرکار بازگردند.

روز دوشنبه ۷/۲

در این روز یکی از کارگران «برناکار» کارگاه لورگی در حین انجام کار دچار سوختگی شده و قسمت‌های زیادی از بدنش می‌سوزد. ولی آمبولانسی برای بردن این کارگر به بیمارستان وجود نداشت. به همین دلیل کارگر مزبور مدت‌ها بدون دوا و درمان می‌ماند. این حادثه یکبار دیگر چون جرقه‌ای به انبار باروت خشم کارگران عمل می‌کند و با زهم ظلم آشکاری را که به آنها می‌شود آشکار تر می‌کند. یکی از خواسته‌های مکرر قبلی کارگران قراردادن چهار دستگاه آمبولانس با وسایل مجهز در نقاط مختلف شرکت برای چنین مواقعی بود. این حادثه یکبار دیگر ماهیت ضدکارگری کارفرما را آشکار می‌کند و کارگران «لورگی» از اینکه به خواسته‌های کوچک آنها هم رسیدگی نمی‌شود، شدیداً خشمگین شده و روبروی کارگری شرکت جمع می‌شوند. در این موقع کارگران قسمتی از دیگر شرکت‌ها هم (کوف، اچ. وای. ال. و سرفراید) نیز به کارگران لورگی می‌پیوندند و اجتماع بزرگی را با حدود ۳۰۰۰ کارگر بوجود می‌آورند.

ابتدای یکی از کارگران سخنرانی کرده و ضمن افشای ماهیت از نمایندگان (که کارگران مبارز قبلاً در طی اعلامیه‌ای آنها را افشا کرده بودند) از خواسته‌های برحق کارگران دفاع کرده و اعلام می‌کند که: «اینبار گول وعده و وعید کارفرما را نخورده و تراسیدن به تمام خواسته‌هایمان و تا زمانیکه نمایندگان دولت برای رسیدگی نباید اعتصاب را ادامه می‌دهیم». بعد از چند ساعت «طالقانی» مدیر عامل شرکت فاسترویلر (تهران جنوب) را کارگران با زور به اجتماع می‌آورند. طالقانی که خود را باخته بود در مقابل پرسش کارگران نسبت به جواب خواسته‌ها خود را هیچ‌کاره می‌خواند و او را نمود می‌کند که هیچ‌گونه مسئولیتی

(۵) - در این مورد اعلامیه‌ای نیز در تاریخ ۵۸/۶/۲۹ از جانب مدهای از کارگران مبارز این شرکت انتشار یافته است.

جوب اهراسی دمکراتیک هستند، سرکوب دهقانانی که زمینهای اربابان مفتخور را بین خودشان تقسیم کرده‌اند، حملات مسلحانه به تحصنها و اعتصابات کارگرانی که برای بهبود وضع زندگیشان مبارزه می‌کنند و «ضدانقلابی» خواندن آنها، حمله به محصولات مرفقی و توفیق تفریبات و سراه... انداختن کتابسوزان و بستن دفاتر گروهها و سازمانهای انقلابی و... از جمله اقدامات ضد کارگری هیئت حاکمه فعلی است. آخرین اقدام ضد کارگری دولت بازرگان و شورای انقلاب، لغو تعطیل پنجشنبه‌هاست. دولت میگوید: چون باره کار در ساعت پایان کار روزانه کم است، لذا، کارگران و کارمندان روزهای پنجشنبه نیز باید سر کار حاضر شوند، یعنی روزی ۷ ساعت و پنجشنبه‌ها ۵ ساعت این است که در کارخانه‌ای که شیفت کار نیستند، به حساب تلف شدن یکروز راحتی. استراحت کارگران سود بیشتری به جیب سرمایه‌داران زالومست سرازیر می‌شود ولی آنها تنها علت لغو تعطیل پنجشنبه‌ها همین است به شرکت نفت نگاه کنیم: همه کارگران و کارمندی که مستقیماً در تولید شرکت دارند، شیفت کار هستند و تعطیل پنجشنبه‌ها هیچ تاثیری در تولید ندارد. کارگران و کارمندان تعمیرات، کارگران «هاوس کپیینگ» و کارمندان ادارات و... بصورت روز کار هستند و بدلیل اینکه از یکطرف به مدت دور بودن واحدها از شهر و پراکنده بودن آنها مقدار زیادی از وقت آنها در راه تلف می‌شود و از طرف دیگر افراد آماده برای موارد اضطراری تعمیرات وجود دارد، تعطیل پنجشنبه‌ها اشکالی در تعمیرات ایجاد نمی‌کند. یکروز کار اضافی در شرایط گرمای طاقت فرسای غوزستان و خستگی ناشی از آن کارگران را فرسوده می‌کند. کارگر به هیچ چیز زندگیش نمی‌رسد و تمام در جمعه مجبور است به گرفتاریهای شخصی و خانواده‌ای بپردازد. اگر کارگران کارهای ضروری و مسائل شخصی شان را در یکی از این دو روز تعطیل حل کنند، روز دیگر راضی - خواهند کتاب بخوانند، بدوستان کارگر خود سر بزنند و راجع به مسائل مملکتی صحبت کنند، با روشنفکران ارتباط برقرار کنند و... و مسئله همین جاست:

دولت بازرگان نه تنها در پی تأمین هر چه بیشتر منافع سرمایه‌داران زالومست است، بلکه از آگاه شدن کارگران هم پندیده و حشمت دارد. کارگران و کارمندان مبارز! - با اتحاد و همبستگی خود توطئه ضد کارگری و ضد خلقی هیئت حاکمه را خنثی نمائید.

هدفان این عمل ضدکارگری هیئت حاکمه را برای دیگران توضیح دهید. - با کارگران به روال سابق، پنجشنبه‌ها را خودتان تعطیل کنید، در روزهای هفته یاسات کار کنید و پنجشنبه‌ها سر کار حاضر نشوید.

برقرار باد اتحاد و همبستگی همه کارگران و کارمندان صنعت نفت

۵ / ۷ / ۵۸ کارگران مبارز صنعت نفت اهواز

(۱) - اشعری یکی از عناصر ضدکارگر عضو مدیریت روابط عمومی شرکت است.

اعتماد و تجمع کارگران فاسترویلر (تهران جنوب)

خودداری کرده و متفرق می‌شوند. در همین موقع طالقانی به میان کارگران رفته و خود را نماینده دولت، قائم مقام مدیرعامل و همه کاره شرکت معرفی می‌کند. وظیفه سخنانی برای چاقاداران، کلیه کارگران اعتباری را که تعدادشان به ۴۰۰۰ نفر می‌رسد، خدایانقلابی خواند. در این روز کارگران قطعه‌های مادر می‌کنند که ملاحظه می‌کنند:

قطعه‌نامه

۱) ما خواستار برکناری بعضی از اعضای شورای مرکزی فطری و برگزاری انتخابات مجدد برای ایجاد یک شورای مستقل و واقعی هستیم.

۲) ما خواستار رسیدگی فوری به کلیه خواسته‌های برحق و قانونی خود که تا کنون با بی توجهی مسئولین امر مواجه بود، و خواسته‌های ما کارگران را غیر قانونی خوانده‌اند، بوده و دیگر هیچگونه سروا نظاری به هیچ قدرت غیر مسئول نخواهیم داد.

۳) ما خواستار انحلال "نیروی شیگانی" ویژه که کارگران و نمایندگان مبارز و آگاه را تهدید، تحقیر و مغرور می‌سازد، هستیم.

۴) ما در اینجا پیمان می‌بنیم که اتحاد فولادین خود را تا رسیدن به خواسته‌های برحقمان باز دست ندهد و تا آخرین قطره خون خود در مقابل توطئه‌های مسز دوران کارفرما و دیگر مسئولین پاسداری خواهیم کرد.

کارگران پیمانی

فاسترویلر - تهران جنوب
۵۸/۷/۳

روز چهارشنبه کارگران دوباره جلسوی کارگزیبی جمع می‌شوند و یکبار به اعلام می‌کنند که پنجشنبه را به سرکار نخواهند آمد. و با شعار پنجشنبه تعطیل است - پنجشنبه تعطیل است، متفرق می‌شوند.

روز پنجشنبه عده‌ای از مرتجعین و افراد ناآگاه شرکت به سرکار می‌آیند. آنها که هدیه‌ها را پیدا کرده بودند به کمک کارفرما و عوامل مزدور نقشه‌ای می‌چینند تا کارگران را روزشنبه به سرکار برگردانند.

روزشنبه آنها از اول صبح با در دست گرفتن عکسهای آیت‌الله عینی و طالقانی و با پخش یک اعلامیه خوش آب و رنگ که به کمک کارفرما تهیه کرده بودند و خود را کارگران "وحدت طلب" معرفی می‌کردند، دست به راهپیمایی زده و همه کارگران را جلوی مسجد "لورگی" جمع می‌کنند. آنها که تا این لحظه شعارهای وحدت طلبانه می‌دادند، شروع به تفرقه انداختن در صفوف کارگران می‌کنند و از همان حربه‌های معمول کارفرما استفاده می‌کنند و چنین وانمود می‌سازند که اعتصاب کارگران نه از روی خواسته‌های برحق آنها بلکه ناشی از تحریک عده‌ای بی‌عدالت، به این طریق و با یک نقشه صاب شده از احساسات کارگران حداکثر

سو استفاده را کرده و از کارگران می‌خواهند که تا دوهفته دیگر به کارفرما برای برآوردن خواسته‌هایشان فرصت دهند. آنها عملاً کارگران حاضر را راضی می‌کنند پنجشنبه‌ها برای تقویت دولت جمهوری اسلامی و امام خمینی به سر کار می‌آیند.

آخرین خبر حاکیست که عده‌ای از کارگران روز یکشنبه به سرکار می‌روند.

آری! یکبار دیگر کارفرما به کمک عواملش و با سو استفاده از ناآگاهی و احساسات مذهبی کارگران موفق می‌شود در میان نشان تفرقه انداخته و میان رزترین کارگران را که در روزهای قبل بعنوان سخنگوی کارگران کار می‌کردند و کارگران را نسبت به توطئه‌های کارفرما آشنا می‌ساختند و اتحاد و همبستگی آنها را محکم می‌ساختند، خدایانقلابی خواند. ولی آنها خواهند دانست، مدت زیادی از این طریق کارگران را بفریبند و در مقابل خواسته‌های برحق آنها مقاومت کرده و زیر پوشش اسلام آنها را بفریبند؟ از نظر ما به هیچ وجه. کارگران مغرور ما بهیت همه عناصر ضدکارگر را در هر لباسی خواهند شناخت و همچون گذشته به مبارزات پیگیر خود تا سرنگونی کامل استثمار فرد از فرد ادامه خواهند داد.

در پایان توجه شما را به متن اعلامیه‌ای که توسط گروهی از کارگران مبارز فاسترویلر انتشار یافته جلب می‌کنیم:

اعتصاب تا پیروزی کامل

ادامه دارد

روز دوشنبه یکبار دیگر ثابت شد که خواسته‌های ما کارگران برحق و حیاتی است. یکی از خواسته‌های اعلام شده ما، داشتن چهار دستگاه آمبولانس مجهز است. تا ما را که همیشه در معرض حادثه هستیم به بیمارستان منتقل کند. حادثه‌ها همیشه از فرسودگی و خستگی زیاد و فشار طاقت فرمای کار درگرمای ۵۰ درجه و بدلیل نبودن وسایل ایمنی پیش می‌آید. این حادثه‌ها همیشه ما کارگران را تهدید می‌کند، نه آنانی را که عادت کرده‌اند پشت میز بنشینند و دستور بدهند و آخر کار هم حاصل دسترنج ما را غارت می‌کنند. با وجود اینکه همیشه خطری ما را تهدید می‌کند ولی کوچکترین تضمینی نداریم.

روز دوشنبه یکی از برادران کارگرمان در کارگاه "لورگی" دچار سوتنگی می‌شود و قسمت‌های زیادی از بدنش می‌پزد. و لسی چون آمبولانس نبود مدت‌ها طول می‌کشد تا به بیمارستان منتقل شود. این حادثه یکبار دیگر ظلمی را که به ما می‌پزد آشکارتر ساخت و توانست چون جرقه‌ای به انبار باروت ما، که مدت‌ها فریب وعده‌های شیرین کارفرما را خورده بودیم بزند. و از آن زمان تا کنون توانستیم با حفظ همبستگی و تشکل و اتحاد خود هر حربه کارفرما را نقش بر آب ساخته و به اعتصاب و تجمع خود ادامه دهیم.

"طالقانی" مدیرعامل شرکت رازیون و هراسان کنیم و از ما بپایان حمله‌هایش در مقابل اتحاد و همبستگی ما به تنه نمی‌رسد، بر علیه ما دسته چاقاداران برای می‌اندازد آنها را تا آگاهترین کارگران و با حمایت پاسداران آنها را کارفرما از شبیه‌های دیگری هم برای برهم زدن اتحاد و تشکل ما استفاده می‌کند. همین شک بلی! و با پستی باز هم هوشیاری خود نقشه‌های او را بر آب می‌سازیم. از جمله این حمله‌ها یک حمله همبستگی و تجربه شده آنها یعنی تفرقه و اختلاف انداختن در صفوف ما است.

این حمله پس از انقلاب در لباس جدیدی ظاهر می‌شود. آنها سعی می‌کنند تا کارگران را به دو دسته کارگران مذهبی و غیرمذهبی تقسیم کنند. و از این طریق در درون ما جدائی بپا ندانند، که ما با پدیده‌ای ناآشنا مقابله کنیم. و با ممکنست با چند خواسته ازل خواهست

هایمان موافقت کنند. و به این وسیله و در این زمان که با اتحاد یکبار به ما روی آورده‌اند، ما را به سرکار بکشانند. که ما با پستی تا برآوردن تمامی خواسته‌هایمان به اعتصاب و تجمع خود ادامه دهیم.

با ممکنست عده‌ای از کارگران مبارز و پیا سنجگوبان ما را که نقش مهمی را در مبارزه دارند دستگیر و با اخراج سازند. که باز هم با پستی تا آزادی کامل و بازگشتشان به جمع کارگران اعتصاب را ادامه دهیم و همین حالا پیشنهاد ما اینست که عدم اخراج یا دستگیری کارگران مبارز چه در طول اعتصاب و چه پس از آن را به خواسته‌های خود اضافه کنیم.

و همچنین ممکنست با ایجاد محیط شدید تر و با آوردن پاسداران و برای انداختن دو-

باره دسته چاقاداران محیط وحشت‌ناک را همچون زمان گذشته به ما تحمیل کرده، ما را وادار کند به سرکار برگردیم که ما ضمن خود داری از برخورد با پستی هر روز و همه اجتماعات خود را حفظ کنیم. دانشا در این اجتماعات و بطور دسته جمعی توطئه‌های کالیفریا را افشا کرده، اتحاد و همبستگی خود را محکمتر سازیم.

برادران کارگر! برای پیگیری و ادامه اعتصاب تمهیدات خود را از عناصر طرفدار کارفرما را از همین امروز شروع کنیم. نمایندگان کارفرما را از نمایندگان غلغ و بجایش کارگران مبارز را انتخاب کنیم. ایجاد "مندوق اعتصاب" هم ما را در ادامه دادن به اعتصاب کمک و یاری خواهد داد. ما با ایجاد "مندوق اعتصاب" ضمناً از دیگر برادران کارگرمان چه در دیگر قسمت‌های صنایع فولاد چه در صنعت نفت و "نورد" خواهیم خواست که با کمک به این صندوق، همبستگی خود را با ما اعلام کنند.

شورا را از عناصر مزدور و وابسته به کارفرما تشکیه کنیم!
"مندوق اعتصاب" را ایجاد کنیم!
عده‌ای از کارگران مبارز فاسترویلر (تهران جنوب)
۵۸/۷/۷

کار، کار، کار اینست شعار پیکار

گزارشی از مبارزه کارگران و دیپلمه‌های پیکار تبریز

یک کارگر پیکار:

"به این کاسه نگاه کنید، این را در خانه به دستم داده‌اند تا برایشان غذا تهیه کنم ولی من پولی در بساط ندارم تا برای فرزندانم غذا بگیرم!"

"یا مرگ یا اشتغال - کار، کار حق مسلم ما است."

در مسجد شریعت‌مداری بدون اطلاع کانون پیکاران.

۷ - اگر بخوانست ما رسیدگی نگردد دوباره تحمّن خود را از ساعت ۹ صبح ۵۸/۷/۸ ادامه خواهیم داد.

در ضمن خواندن قطعه‌ای چند نفر از عناصر اجیر شده‌ی در تفرقه‌انداری و بهم زدن جمع گردندگان خوشبختانه با هوشیاری که پیکاران از خود نشان داده و با دادن به موقع شعار: "اخراج گروا بیجا" یعنی "اخراج گروا بیجا" این توطئه‌های عناصر مرتجع را خنثی کردند. ساعت حدود ۱/۵ بود که جمع تصمیم می‌گرفتند به تظاهرات در اطراف شهر بکشند. بقول یکی از پیکاران که میگفت "ما عوضی آمده‌ایم ما با پستی حرفهای خود را با مردم به میان بگذاریم نه با مقامات اداری، چون اگر مسردم پشتیبان ما باشند آنها نیز مجبوره اجرای خواست ما خواهند شد."

تظاهرات از داخل استانداری به بیرون کشیده شد و از خیابان شاهبختی تا خیابان متحدین و از آنجا متوجه راه متحدین ادامه یافت. در طول تظاهرات همان شعارهای قبلی داده شد و فقط در چهار راه متحدین بود که دوباره قطعه‌ای برای مردم خوانده شد و بدین ترتیب پیکاران نیز به تظاهرات خود را بگوشه‌ی سبز محمت کتان رساندند و خواستار اجتماع در استانداری را ساعت ۹ روز یکشنبه شدند.

★ ★ ★

حدود ۵ دقیقه بعد از آنکه تظاهرات کنندگان متفرق شدند، ۱۰ نفر فالانژ درحالی که سعی میکردند با دادن شعار "سلام بهروز است، کمونیست نابود است" تظاهرات علیه پیکاران برای اندازند و دلی خوشبختانه دیروز. هنای اینان پیش مردم رنگی ندارد زیرا کسی داخل جمع این مزدوران نشد. بطوریکه کمی بالاتر از چهار راه متحدین محل و شرمند پراکنده شدند.

یکشنبه ۵۸/۷/۸

همانطوریکه روز قبل قرار گذاشته شده بود از ساعت ۹ صبح امروز (یکشنبه) پیکاران (کارگران و دیپلمه‌ها) در استانداری تظاهرات اجتماع کردند. نزدیکی‌های ساعت ۱۰ صبح جمعیت نسبت به روز گذشته بیشتر بود و چهره‌های ناآشنا زیاد چشم میزد. همچنین از قیافه‌های آشنا که در روزهای قبل به عنوان نماینده و غیره فعالیت‌های زیادی کرده بودند خبری نبود که بعد از کمی روشن شد که روز گذشته پس از پایان تظاهرات نمایندگان بقیه در صفه ۱۴

ریال هم پول داریم. چند ماه است از پیکاری می‌نالیم پول دو اودمان پدر ما در بیمار خود را ندارم. چند مرتبه اینجا آمده‌ام هنوز به هیچ جا نرسیده‌ام. باور کنید ترجیح می‌دهم آنقدر اینجا بنشینم تا بمیرم ولی با دست خالی بخانه نروم."

سپس کارگری حدود ۴۵ ساله در حالیکه شنا سنا می‌خورد و ۴ نفر را همراهش می‌برد چنین گفت: من تا آن آورده نفهمم. شکم را نیز عمل کرده‌ام. چند وقت است که پیکارم. اکنون نیز ۱۲ ریال دارم که بلیط اتوبوس خواهم خرید و در حالیکه کاسه‌ای در دستمالی پیچیده در دست داشته‌ام داد:

"به این کاسه نگاه کنید این را در خانه به دستم داده‌اند تا برایشان غذا تهیه کنم ولی من پولی در بساط ندارم تا برای فرزندانم غذا بگیرم!"

بر خلاف قولی که داده‌اند به بود با لاف و غیره آمد که استاندار به نمایندگان گفته "من کارهای واجب‌تری دارم..."

در این موقع - حدود ساعت ۱۲/۵ - بود. جمع بعد از چند بار دادن شعار "استاندار استریخ والام" چون نتیجه‌ای عاید نشد تصمیم به راهپیمایی در محوطه استانداری گرفت این تظاهرات حدود یک ساعت بطول انجامید و در طی آن شعارهای زیر داده میشد:

"دیو شوخ، قان وردوخ نیه گنه ایشیزوخ" یعنی:

"جنگیدیم، خون دادیم، چرا هنوز پیکاریم"

"با زوی این جوانان نیروی انقلاب است، پیکاری جوانان سرچشمه فساد است"

و

"یا مرگ یا اشتغال" - "کار، کار، حق مسلم ما"

"ایش استریخ والام" یعنی: "کار می‌خواهیم والام"

"پیکاری ایرانی نابود گردد، اتحادیه پیکاران ایجاد باید گردد"

در پایان قطعه‌ای در ۷ ماده تنظیم شده از قرار زیر است:

- ۱ - آزادی دوستان دستگیر شده در محوطه استان - داری به تاریخ ۵۸/۷/۲
- ۲ - ایجاد کار برای کلیه پیکاران اعم از (کارگر، دیپلمه، فوق دیپلم - لیسانس)
- ۳ - در صورت عدم اشتغال پیکاران دادن حق پیکاری برای آنان.
- ۴ - برسمیت شناختن اتحادیه پیکاران
- ۵ - استخدام پیکاران از طریق اتحادیه پیکاران
- ۶ - روشن نمودن استخدام غیر قانونی و تفر

بدنبال ماها مبارزه دیپلمه‌های بی-کاربرای ایجاد کار بوسیله دولت "انقلابی" اینک در اکثر شهرهای کشور این گروه حق طلب بنیاد خواسته اند و با اشکال مختلف مبارزه در جهت احقاق اولیه ترین حق خویش "کار" میکنند. عکس العمل دولت "انقلابی" نیز معلوم است: وعده و وعید و دعوت به "مبارزه انقلابی" اگر نتواند ایجاد تفرقه و سزکوب مثل همه رژیم‌های فدا خلقی.

در تبریز نیز در روز چهارشنبه ۵۸/۷/۴ دیپلمه‌های بیکار در محل استانداری بعد از انتخاب نمایندگان خود برای مذاکره، تصمیم می‌گیرند که در صورت عدم رسیدگی بیکاران روز شنبه ۵۸/۷/۷ در استانداری تحمّن کنند.

در استانداری به نمایندگان محل نمی‌روند و میگویند فعلاً تا ۵ ماه کار ندارند و بیمه و دستمزد ما را برای دوست نفر کار ایجاد می‌کنیم و شما بپای خود وقت خود را تلف می‌کنید.

بدنبال این جریان با انتشار اطلاعیه - ای از تمام پیکاران (دیپلمه‌ها، کارگران و...) دعوت به تحمّن در استانداری میکنند. تا ساعت ۱۰ صبح شنبه حدود ۳۰۰ نفر که اکثراً دیپلمه و کارگر بودند در جلوی استانداری جمع می‌شوند و با شعار "استاندار را می‌خواهیم"

خواستار آمدن استاندار میشوند. خبری نمیشود سپس شعار "با ایش ورون ایشلیخ - با پول ورون خلیخ" با کار بدهید کار کنیم - با پول بدهید خرج کنیم، را رسمی دهند. شعار دادن نیم ساعت ادامه پیدا میکند و جمع تصمیم می‌گیرند در محوطه استانداری دست به تظاهرات بزنند با شعار "یا مرگ یا اشتغال" "با ایش ورون..." به حرکت می‌افتند. هنوز چند قدمی تفرقه بودند که افراد کمیته به صف مقدم حمله کرده و دو نفر از کسانی را که شنا سانی کرده بودند تگیر نمودند و کتان بطرف ما نشین نشسته می‌برند. ولی عکس العمل شدید جمع منجر به آزادی آنها میگردد. عده‌ای شعار میدادند:

"حق دینی و وروار حق دینی توشولار"

"هر کسی حرف حق میزند میزنند، هر کسی حرف حق میزنند میگیرند" وعده دیگری از حرکت کارگران جلوگیری می‌کنند.

تظاهرات کنندگان سپس متوجه استانداری شده و سعی می‌کنند داخل استانداری شوند که منجر به درگیری با مأموران کمیته میشود با این حال چند نفری داخل میشوند که توسط مأموران کمیته بازداشت میشوند. تظاهرات که نظم خود را از دست داده بود دوباره شکل میگیرد و پیکاران جلوی درب جنوبی استانداری رفته و در آنجا تحمّن میکنند. در اینجا چند تن سخنرانی میکنند. یکی از نمایندگان آنها ریشی از مصیبت‌های خود گفت: "داخل استانداری یکی از افراد کمیته - ۳ را روی سینه من قرارداد و گلنگدن را کشیده و میگفت کار می‌خواهی؟" و صحبت‌هایی راجع به اتحادیه پیکاران و لزوم ایجاد آن، بیان کرد. کارگری ۲۵ ساله چنین گفت: من یک مسلمانم و یک کارگرم خدا انقلاب هم نیست. نان آور ۹ نفرم و پدر و مادری بیمار دارم. یک پای خودم هم نقص دارد. ۱۵

گزارشی از:

راهپیمائی و تحصن دیپلمه‌های بیکار

روز یکشنبه ۵۸/۷/۱ حدود ۱۰۰۰ نفر از دیپلمه‌های بیکار پس از گذشتن از چند خیابان، از جمله خیابان فلسطین ساعت ۱۲/۵ جلوی نخست‌وزیری رسیدند. در طول راه یک نفر از افراد مسلح کمپته راه را بر آنها بست و غراز آنها را دستگیر کرد. ولی وقتی سوار ماشین کردند که ببرند، دیپلمه‌ها جلو ماشین را گرفتند و مانع حرکت آن شدند. پاسداران بناچار او را آزاد کرده و دیوانه وار به شلیک هوایی پرداختند. برخی از شمارهایی که در طول راه می‌دادند چنین بود:

"جنگیدیم، خون دادیم، اما هنوز بیکاریم".
"بیکاری، بیکاری، ریشه هر فساد است".
"سرمایه دار، عامل هر بیکاری".
"اتحاد، اتحاد، علیه سرمایه دار".
"مرگ بر ارتجاع".
"کار حق مسلم ماست".
"کارگران بیکار".
"دیپلمه‌های بیکار، باید برند سرکار".
"قطب‌زاده، بسا نسوزنکن، نشان بده".
دیپلمه‌ها جلوی نخست‌وزیری شعار میدادند و از مسئولین می‌خواستند که بازرگان بهمان آنها بیاورند و به خواستهایشان توجه کنند، اما آنها گفتند که بازرگان شهرستان است، دیپلمه‌ها خواستار آمدن طباطبائی شدند و شعار دادند: "سنگوبیا پائین".
در این هنگام یک نفر از نخست‌وزیری آمد که خواستهایشان را بدید و متفرق شویند. جماعت او را هور کردند و گفتند: "همین جا بهترین جاست". و روی زمین نشستند. ۵ نفر را که در طول راه بعنوان نماینده انتخاب کرده بودند، دوباره تأیید کردند و اینها قطعنامه شش یا هفت ماده‌ای تهیه کردند که مضمون بعضی از بندهای آن چنین بود:

- ۱- لغو قانون منع استخدام درد و آثر دولتی.
- ۲- مجازات طاعین تیراندازی امروز.
- ۳- بازنشسته کردن افراد واجد شرایط و بازنشستگی و استخدام افراد بیکار، بجای آنها.
- ۴- ایجاد کار برای همه از جمله دیپلمه‌ها. فوق دیپلمه‌های بیکار با توجه اولویت (سابقه بیکاری و تاهل و...).
- ۵- نشان دادن تظاهرات امروز از تلویزیون و...

در حالیکه دیپلمه‌ها اصرار داشتند طباطبائی پائین بیاید، نمایندگان که برای مذاکره در همین مورد رفته بودند، برگشتند و گفتند: "طباطبائی به علت مسائل امنیتی پائین نمی‌آید". با تأیید اکثریت نمایندگان پیش طباطبائی رفتند و از ساعت ۲۰ دقیقه بعداً نشستند. از طرفی پاسداران می‌کوشیدند که با تهدید و ارطاب جماعت را پراکنده کنند که با شعارهای زیر مواجه شدند: "کمپته، پاسدار، حق دخالست نداره"، "کمپته، پاسدار حق اهانت نداره".

"کمپته برو پاوه"، "یوزی، ژ-۳، دیگر اثر نداره"، "یا بشکین، یا کار بدین". یکی از نکات جالب این بود که افراد کمپته با لباس شخصی بین دیپلمه‌ها رخنه کرده بودند و گذشته از شناسائی عناصر فعال، میکوشیدند با ایجاد درگیری و بحث‌های بی‌مورد تفرقه ایجاد کنند که خیلی زود افشا شدند.

حدود ساعت ۴ بود که نمایندگان بدون هیچ نتیجه‌ای برگشتند و گفتند: "اول که رسیدیم، طباطبائی گفت بدستور امام، تظاهرات و تحصن بهر شکلی ممنوع است من نمی‌دانم شما چطوری این کار را انجام داده‌اید! این کار شما باعث سو-استفاده دیگران میشود، شما چرا به این کار غیر قانونی دست زدید، که گفتیم در آثر فشار زندگی بیشتر از این نتوانستیم تحمل کنیم". در مورد پاسخی که به قطعنامه آنها داده بود اضافه کرد که: "درباره ما ما اول گفت بهیچوجه امکان لغو آن وجود ندارد، چون ما با تورم کارمند روبرو هستیم، در مورد مجازات طاعین تیراندازی اصلاً صحبتی نکرد، و درباره بازنشسته کردن افراد واجد شرایط گفت که ما طرحی برای بازنشسته کردن و بازخریدن کردن در دست داریم، ولی همانطور که گفتیم، چون با تورم کارمند روبرو هستیم، این بدان معنی نیست که افراد بیکار را بجای آنها استخدام کنیم. بنابراین فعلاً دولت برای شما افراد بیکار کاری نمیتواند بکند، ولی پروژه‌ای در دست است که حداقل یکی دو سال دیگر می‌تواند تا ۲۴ هزار نفر را جذب کند. در مورد نشان دادن تظاهرات از تلویزیون گفت بهیچوجه امکان پذیر نیست، چون کار شما، کاملاً غیر قانونی بود ماست، ولی خودم در مصاحبه تلویزیونی، در مورد بیکاری دیپلمه‌ها صحبت می‌کنم!"

جمعیت شدیداً اعتراض کرد و درگوشه و کنار شروع به بحث کردند، که تحصن را ادامه دهند یا بطرف دانشگاه که گفته میشد بازرگان هم آنجا برنامه سخنرانی دارد حرکت کنند. در این موقع پاسداران یک نفر را به بهانه اینکه به دولت‌ها نت کرده دستگیر کردند و بطرف ماشین کشیدند، جمعیت با ازدحام خود جلو ماشین را بستند و شدت اعتراض کردند، پاسداران فرد دستگیر شده را آزاد کردند و شروع به تیراندازی هوایی کردند، گلوله‌ای که با دسترنج زخمی‌شدن تهیه شده بود، بیکار دیگر و فقط ماه هفتم پس از قیام، برای ارطاب و متفرق کردن آنها بکار گرفته میشد، با اینصورت جمعیت متفرق شد.

آری، فرزندان خلق ما این چنین در هر قدم از تجربه زندگی روزمره خود درمی‌یابند که دولت ضدانقلابی قادر به پاسخگویی مسائل آنان نیست.

بقیه از صفحه ۱۳

کار، کار، کار....

و عناصراً فاعلاً توسط عوامل کمپته‌ها شناسائی و دستگیر شده‌اند. در ضمن امروز اعلام شد که استاندار نیز جهت ما موریت به شست‌ورفته است این قرائن همگی حاکی از نقشه پلیس ارتجاع برای پورش به بیکاران و سرکوب آنان بود. بالاخره انتظار بسیار رسیده و از طرف بیکاران ضمن محکوم کردن دسیسه‌های ارتجاع که بصورت دستگیری‌های پراکنده بیکاران متبلور شده بود اعلام شد که چنانچه دوستان در بند آزاد نگردند دست به تظاهرات زده و در چهار راه متحدین متحصن شده و دست به اعتصاب غذا خواهند زد و اعمال ارتجاع را افشا خواهند ساخت و در ضمن قبل از تظاهرات معاون استاندار را در جریان گذاشتند و چون معاون استاندار از خود سلب مسئولیت کرد، تظاهرات از داخل استانداری شروع شد و پس از چند لحظه برخلاف روز گذشته که درها را از طرف استانه بسته بودند درها بروی تظاهراتندگان باز شد این عمل مشکوک غیر از توطئه‌ای می‌باشد که تظاهراتندگان در آن لحظات متوجه آن نشده و در حالیکه شعار: کار، کار، نیست شعار بیکار "بازی این جوانان نیروی انقلاب است، بیکاری ایرانی سرچشمه فساد است" و "ایشی ایستریخ والسلام" را میدادند از درب استان - داری خارج شدند، که بطرف چهارراه متحدین رفته و در آنجا متحصن شدند...

در همین حال از داخل استانداری حدود ۵۰ نفر مسلح به زنجیر و پنجه بکس و سایر لوازم سرکوب در حالیکه در جواب شعار: "ایشی ایستریخ والسلام" تظاهراتندگان شعار مبتذل "... پیموز والسلام" یعنی "... می‌خورید و السلام" را می‌دادند از پشت صحنه تظاهراتندگان حمله کرده و عده زیادی را مضروب کرده و تعدادی را دستگیر کردند و در این هنگام افراد کمپته "چریک‌های پشرو" که روبروی استانداری در طرف دیگر می‌باشند مسلحانه به کمک عناصر اجبر سده و او با شان جا قوبدست شناخته و دستگیرشدگان را کشان کشان بطرف ستاد خود بردند.

★ ★ ★

بدین ترتیب بیکار دیگر ما هیت فدکاگری و فدا انقلابی رژیم کنونی آشکار شد. این حادثه بدون اینکه هیت حاکمه بخواهد، درس دیگری به زحمتکشان و به توده‌های ستمدیده داد. درسی که بخصوص برای زحمتکشان ما دارای اهمیت بسیاری است، و آن انکار بخود و به نیروی جمعی خود نیروی که لایزال است و هنگامیکه این نیرو در تشکیلات مستحکم بکار گرفته شود، تشکیلاتی که جز از طریق خودش زحمتکشان و تمام توده‌های ستمدیده از یک طرف و بهره‌گیری از نظرات علمی و انقلابی سازمانهای انقلابی خلق موجود نمی‌آید، و ما را زورگازر و سرما به داران و تمام مترجمین درمی‌آورد.

چهاره زحمتگران وحدت و تشکیلات است

★ ★ ★

بخشنامه‌های ضد انقلابی برای سرکوب عناصر مرفقی

قرار می‌دهد.
آنها از ما می‌خواهند که تابع هیچ‌کس و
چرای هدف‌ها و مقاصد هیئت حاکمه باشیم و
دارای عقایدی که بدرد تأیید و اثبات
نظرات قدرتمندان بخورد و خلاصه نوع مخصوص
سفارش شده را ببینیم و بشنوم و بگوئیم.
آری حکومتی که درصدد احیاء و بقای
همه نهادهای رژیم گذشته است، حکومتی که
همه شرایط را برای استثمار و غارت سرمایه-
داران و امیربالیستها آماده می‌کند حتماً
اعتراض و حق طلبی کارکنان زحمتکش را
"تعطیل و کم کاری" وانمود کرده و متهم به
"انحراف و اعتقادهای ضد انقلابی" میکنند و حتماً
مجرمان این دستورات انقلابی را هم باید
مدیران و مسئولینی قرار دهند که اکثرشان
دارای پیشینه‌های درخشانی در سربردگی به
رژیم گذشته هستند.

ولی سرانجام این حکومتها چیست؟ تاریخ
نشان داده و نشان خواهد داد همچنانکه همین
ما در کنگره‌ها و جلسات مختلف به چشم خود
در مورد حکومت سابق دیدیم، اینکه با اعتراض
توده‌ها و ناراضیانی اینان از حکومت، قدرتی
است که هیچ نیرویی برای استنادگسی در
مقابل آنها ندارد و سرانجام پیروز خواهند
و آلودن این اعتراضات به مارک‌های انتقاد
عدا انقلابی و خرابکاری نه تنها از نیروهای خلق
نمی‌کاهد بلکه دشمنان آنها را هر روز رسوا
تر خواهد ساخت. آنچنانکه خواهیم دید
و دیر نخواهد بود.
هرچه رستار و پیروزمندتر باد ندای حق طلبی
گروهی از کارکنان مدا و سیمای جمهوری
اسلامی

رژیم سابق می‌کنند که دوباره به سرکارها
بازگشته‌اند.

از این میان، اخیراً بخشنامه‌ای برای
وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی ارسال شده که
زحمتکشان ادارات را مجبور به سکوت و خاموشی
در برابر تبعیضها و اجافات و سازشکاریها و
سوءاستفاده‌ها می‌کند. به بهانه جلوگیری از
"انتقاد ضد انقلابی"، "انحراف"، "خرابکاری" و
... درصددند تا هرگونه اعتراض باینکه چرا
با او کتبی برسرکارند، چرا مزدوران دربار و
نایبکاران قدیم برسرکارند، چرا شوراهایی
را که ابتکار انقلابی کارکنان را بی‌االا
می‌برد، متوقف می‌کنند و هزارچرای دیگر را
در سینه حقه کنند. فضای آزادی که در محیط
های کار، پس از قیام بوجود آمده بود و توده‌ها
با آسودگی و بدون ترس و وحشت در آن فضا
مشکلات و نارسائی‌ها را افشا می‌کردند و بدین
ترتیب آگاهی و هوشتاری انقلابی خود را بالا
می‌بردند و در نتیجه ابتکار عمل خود را در
محیط کار و جامعه بهبود می‌بخشیدند، اکنون
از طرف حکومت به بهانه توطئه و خرابکاری
مورد هجوم قرار می‌گیرند.

کارگران و کارمندان را که در این چند
ماه یاد گرفته بودند دیگر هیچ وسوسه‌های
بی‌اراده و بی‌شعور نباشند و باید راست و
آگاهیهای اجتماعی با کارها و امور محیط کار
خود و با مسئولیت و دلبستگی با جریانات
پیروز خود کنند، مجدداً حکومت می‌خواهد به ابزار
های مطیع و بی‌اراده و تسوی خور تبدیل
کند و ضمانت این عمل را هم به گروهان گرفتن
چند روز از حقوقی را که به آنها می‌پسند

اوائل شهریور ماه جاری از طرف بازرگان
بخشنامه‌ای به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی
ارسال شد که طی آن اعتراضات و انتقادهای
عناصر آگاه و مرفقی ادارات به تبعیضها،
اجافات، سازشکاریها و سوءاستفاده‌های
موجود در آنها، "انحراف"، "انتقاد ضد انقلابی"
و "خرابکاری" نامیده شد و برکناری و اخراج
آنها مورد تأکید قرار گرفت.
دربار عین بخشنامه و اعلامیه افشا-
گرانه، گروهی از کارکنان مدا و سیمای
جمهوری اسلامی را که در همین رابطه منتشر
کرده‌اند، ملاحظه می‌کنید.

بخشنامه‌های انقلابی و انتقادهای ضد انقلابی

هزارها طرات تلخ اختناق و سرکوب
و حشانه و پلیسی رژیم مزدور شاه خاشن
فراموش نشده است که اختناق جدید، دیکتاتوری
تازه آراسته خود را بمرمدم تحمیل می‌کنند.
همان بساط قدیم از نو شروع می‌شود.
در گذشته رژیم مغرور پهلوی هرگونه
مدای اعتراض و آزادیخواهی را در محیط کار
بطرز وحشیانه‌ای سرکوب می‌کرد. متعجبین و
حق طلبان را مجازات و با از محیط کار اخراج
می‌کردند و حتی حبسهای چند ساله را در برابر
کمترین اعتراض نصیب آنان می‌نمودند. چه-
بسیار از کارگران و کارمندان را به بهانه-
های ارحمه اخلاص و خرابکاری، ولی در اصل
بمنظور حفظ سرمایه‌داران بیگانه و جیره-
خواران، از کار برکنار و با تبعید نموده و
زندگی را بر آنها سخت و تلخ می‌کردند.

چماق ساواک در برابر کوچکترین اعتراض
به تبعیض، پارتی بازی، رشوه‌خواری و وحشی
بحرکت درمی‌آمد و زحمتکشان کارخانه‌ها و
ادارات از بیم آنکه مبادا خرج معیاش
زندگیان از دست برود و خانواده‌شان دچار
گرسنگی و درگیری و بی‌خانمانی گردد، دردها
و ناله‌ها و حتی گلابه‌ها را در سینه‌ها پنهان
می‌کردند. لیکن این دردها و ناله‌ها انبوه
گردید و به فریاد تبدیل شد و فریادهای بهشت-
های گره‌خورده و مشتبه به مسلسل و سرانجام
سرنوشتی دیکتاتورانه و جلادها و وای بر آنان
که از این تجربه، گرانقدر درس نگرفتند.
می‌بینیم که میوه چنان تازه بقدرت
رسیده که از ترس حرکات بنیان کن توده‌های
زحمتکش، از همان روزهای اول انقلاب مانع
حمله مردم به مراکز قدرت رژیم سابق و
امیربالیسم می‌شدند، چگونه با درجای پای
رژیم گذشته می‌نهند و چگونه نظام قدیم را
با همه کثافات و آلودگیهایش احیاء می‌کنند.
عامل و کارگران ساواک و سیا را همچون
"شاکر" و بسیاری دیگر در رأس کارها می‌گذارند
از سرمایه‌داران زالوشت که دارای مملکت
را به تاراج برده‌اند، با حمایت مادی و معنوی
دعوت می‌کنند که دوباره بازگردند و به-
مکیدن شیر، جان زحمتکشان بپردازند.
در مقابل، کارگران را با نیروی سوز و
آتش نامه، با ملاحضات انضباطی، ارتشیان را با
قوانین و سیستم نظامی سابق، مصلحان و کارمندان
را با تهدیدیه اخراج و مجازات و ادا به اطاعت
گور و غفلان در مقابل همه آن عوامل و مزدوران

دولت محترم جمهوری اسلامی ایران
مختص وزیر

بخشنامه
به وزارتخانه‌ها و موسسات مستقل دولتی

نظر باینکه بعضی از کارمندان دولت به جای هم‌آهنگی با
فلسفه و انقلاب اسلامی و با خط مشی دولت جمهوری اسلامی به
تعطیل و کمکاری می‌پردازند و احیاناً مرتکب انحراف و
انتقادهای ضد انقلابی و خرابکاری می‌گردند ضرورت دارد که
اولاً مراقبت شدید بکار برند و ثانیاً بدون تسامح و تعلل
خشتاکاران و خرابکاران را برکنار و تحت تعقیب قرار دهند.
دستور فرمائید این بخشنامه به دستگاههای تابعه مرکوز
و شهرستانها ابلاغ و نتیجه آن اعلام گردد.

انتهای بخشنامه
نشت وزیر

دفتر دبیر
شماره ۷۶۷۷/۱
تاریخ ۱۳۵۸/۷/۱۵

اهواز - اعتصاب کارگران مبارز ماشین سازی پارس

کارگران مبارز ماشین سازی پارس، یکی از پیمانکاران صنایع فولاد) باردیگر برای گرفتن حق خود روز شنبه ۵۸/۷/۷ دست‌آزکار کشیدند. این چندمین بار پس از قیام است که کارگران این کارخانه برای احقاق حقوق پامال شده خود دست از کار میکشند. اعتصابات گذشته کارگران، اغلب با طرر افزایش دستمزد بود. سرانجام هم، آنها توانستند بکمک شورای واقعی خود طرح افزایش دستمزد پیشنهادی خود را که بطور متوسط معادل ۵۸٪ است به کارفرما تحمیل کنند. کارگران می بایستی حقوق شهرپورماه خود را با این افزایش دریافت میکردند که تا تاریخ ۵۸/۷/۷، از آن خبری نشده بود. کارگران که طی مبارزات گذشته خود پیاد گرفته‌اند که تنها به نیروی متحدوبکی « خود متکی باشند، برای دریافت اضافه دستمزد شهرپور ماه از روز شنبه ۵۸/۷/۷، دست‌بااعتصاب می زنند و یکی از نمایندگان خود را برای مذاکره با مدیر عامل شرکت به تهران می فرستند. (با دریافت اخبار بعدی خوانندگان را در جریان خواهیم گذاشت) .

یکپارچگی و اتحاد کارگران بندر

روز شنبه ۵۸/۶/۳۱ اطلاعیه‌ای از طرف اداره بندر خرمشهر (ه) صادر میشود که طی آن اعلام میگردد که کارگران باید روزانه ۱۲ ساعت کار کنند. طبق این اطلاعیه، ساعت کار به دو شیفت ۱۲ ساعته از ۷ صبح تا ۷ شب و از ۷ شب تا ۷ صبح تقسیم شده بود مسئولین بندر که گمان می برند در سایه سرکوب وحشیانه و فاشیستی مدنی هر گونه تعرضی به جنبش کارگری امکان پذیر «، منت محکمی از کارگران دریافت کردند و مجبور شدند بلافاصله عقب‌نشینی نمایند. کارگران مبارز بندر بعضی اطلاع از این تصمیم ضد کارگری، همگی یکپارچه دست‌به‌اعتصاب می زنند. در این حرکت کارگرا ن بندر، چنان یکپارچگی و فاطمیتی نشان می‌دهند که مسئولین بندر ۱/۵ روز پس از اعتصاب عقب‌نشینی میکنند و شهر روزیکتنه اطلاعیه قبلی مردود و ساعت کار بر طبق روال قبلی اعلام میشود. کارگران پس از به شکست کشاندن این توطئه ضد کارگری، پیروز - مندان به سر کار خود بازگشتند.

- در اداره بندر خرمشهر، برای تخطیه و بازگیری کالا، چهار شرکت پیمانکار، از جمله دو شرکت بزرگ ایران ترمینال واستو- دیوریک با چندین هزار نفر کارگر فعالیت دارند .

بقیه در صفحه ۹



جنبش کارگری

شورای ضد کارگری کارخانه چیت تهران بافکار

صد کارگری است و کارش فشار بر کارگران و دفاع از منافع سرمایه‌داران است. این را براحتی میتوان از اعلامیه‌های صادره از طرف شورا دریافت که مضمون آنها بیشتر چنین بوده است: " کارگران کم کاری نکنند. عنا - صری که کم کاری میکنند از میان خود طرد کنند. تا سوت کارخانه بعدا درنیامده است از قسمت‌ها خارج نشوید " و از این قبیل . شورا همچنین نقش فعالی در سرکوبی کارگران بازی میکند. همین یک ماه پیش بود که یک کارگر را بنام جواد گلشنی از کارخانه اخراج و دو نفر دیگر را بمدت یک هفته از کار معلق کرد. " جرم " آنها خواستن اضافه دستمزد بود. و با فشاری شان بر روی خواست شان . شورا عملا بر روی اعمال سرپرست‌ها که مانند پیش از انقلاب کارنامه‌های اندمان کار هر کارگر را بدست گرفته اند و بر کارگران فشار زیادی را اعمال میکنند، صحنه میگذارد .

بعد از انقلاب، در این کارخانه هم مانند بسیاری دیگر از کارخانه‌ها شورایی تشکیل شد. اما پس از مدتی افراد مبارز و مترقی شورا تا حد زیادی تضعیف شدند. از جمله کسانی که در این تضعیف ضد کارگری نقش فعالی داشتند، علی محمد عرب (نماینده مجلس خبرگان که از طرف حزب جمهوری اسلامی کاندید شد) بود. او همراه با عناصر ضد- کارگر دیگر شورا داشا سرمایه‌داران را به سینه می زنند و می گوشتند خواستهای کارگران را تعدیل کنند. این آقای باصلاح نماینده کارگران با تعطیل بودن پنجشنبه‌ها هم شدت مخالفت برخاست. در حال حاضر کارگران اصلا نظر خوشی نسبت به علی محمد عرب ندارند. یکی از کارگران می گفت: باید فاتحه عرب را خواند. او دیگر دره کارگر را نمی فهمد. کسی که در باد کولر و زندگی راحت غرق شود، بی خیالش. شورای کارخانه چیت تهران یک شورای

از مبارزات کارگران بیکار چه می آموزیم ؟

کارگران مبارز ا

۶ ماه از آغاز مبارزه، متشکل شما کارگران بیکار می‌گذرد. طی ۶ ماه مبارزه، شما نتوانستید گوشه‌ای هر چند کوچک از حقوق محققان را از دولت ضد انقلاب حاکم دریافت کنید. "وام بیکاری" که دولت مجبور به پرداخت آن شد تحت مبارزه، پیگیرانه، شما حاصل شد. "وام بیکاری" هر چند به هیچوجه شما را نخواست و هدف کارگران پیشرو نبود، لیکن دستاورد مبارزه، شما سایر توده‌های رنجکش خلق را محبوب می‌شود. بعنوان تجربه، بررسی این موضوع مهم است که چرا ما نتوانستیم به هدف خود در این زمینه دست یابیم. هدف ما عبارت بود از دریافت "حق بیمه بیکاری" و "حق کار" که شما کارگران را دربر می‌گرفت. لیکن ما فقط موفق شدیم که به قسمت بسیار کوچکی از حق خود دست یابیم. در حال حاضر دولت ضد انقلاب، همراه با یورش و حمله خود به سایر دستاوردهای انقلاب، همین مقدار اندک و محدود "وام بیکاری" را مورد سؤال قرار داده است و قصد دارد دیگر آنرا از اول مهرماه پرداخت ننماید.

چرا ما در گرفتن تمامی حق خود پیروز نشدیم؟ چرا دولت ضد انقلاب به خود اجازه می‌دهد که همین مقدار ناچیز وام بیکاری را دوباره پس بگیرد؟ ما در زیر مهمترین علل این مسایل را بررسی خواهیم نمود:

۱- نبودن رهبری واحد و مبارزات کارگران بیکار :

از آنجایی که رژیم منفقور بهلولی حتی ابتدایی ترین تشکیلات صنفی کارگران را مورد یورش وحشیانه خود بقیه در صفحه ۹

توقیف کارگر به پیش !

بار دیگر ما مورین مسلح هیئت حاکمه به چاپخانه‌ای که نشریه " کارگر به پیش ! شماره ۷ در آن چاپ میشد هجوم بردند و حدود ۱۰ هزار جلد کارگر به پیش آماده را همراه با یک نفر از متصدیان چاپخانه، با خود بردند. این عمل ضد دمکراتیک و ضد - انقلابی درحالی صورت می‌گیرد که هیئت حاکمه دیگر حتی خود را به رعایت ابتدائی ترین اصول متداول ملزم نمی‌داند. چرا که کارگر به پیش! بهیچوجه رسمی در لیست توقیف نبوده است. (مشروح جریان را در شماره ۹ بعد خواهید خواند.)

پیش بسوی ایحاد حزب طبقه کارگر